

ارزیابی آثار کارآفرینی بر اشتغال روستایی در ایران

دکتر بیژن باصری^۱

مقدمه

امروزه کارآفرینی و نوآوری همان اهمیتی را برای رشد اقتصادی دارد که منابع طبیعی، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی در گذشته برای رشد اقتصادی داشته اند. نوآوری، توانمندی ایجاد تغییر در محصولات و خدمات را با فرایندها و روش های موجود در اقتصاد را افزایش می دهد. طبیعی است که نوآوری فعالیت مخاطره آمیزی است که برای بهره برداری از آن باید باید سازماندهی مناسب برای گذر از مراحل تبدیل فکر به فناوری و سپس تجاری سازی آن صورت گیرد. کارآفرینی اهمیت ویژه ای در ایجاد خود اشتغالی و گسترش واحدهای کسب و کار ایفا می نماید. در حال حاضر به تبع گسترش فناوری های جدید، توسعه شهرها و همچنین تغییر فرایند تولید از سنتی به مدرن، ترویج نقش زنان در تأمین مخارج زندگی، گسترش مشاغل خدماتی، افزایش نرخ مشارکت و سایر عوامل، بازار کار روستایی در حال دگرگونی است. این دگرگونی در مناطق شهری اقتصاد به دلیل گسترش سریع تر فعالیت های رسمی با سرعت بیشتری در شرف وقوع است.

بخش کشاورزی با سهم ۱۵ درصدی از تولید ناخالص داخلی، ۲۲/۷ درصد از کل شاغلان کشور (۴۶۴۷ هزار نفر) را در خود جای داده است. (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۸۵) برغم افزایش تعداد شاغلان، در دو دهه اخیر سهم شاغلان بخش کشاورزی در بازار کار ایران دارای روندی نزولی است. بیکاران این بخش، برای یافتن شغل با مهاجرت به شهرها، به بخش های غیر رسمی اقتصاد وارد می شوند. وجود بیکاری فصلی، بیکاری پنهان، و رشد بهره‌وری اندک و ناچیز در بخش های سنتی و روستایی و بازده ناچیز نظام خرده دهقانی است که در طی قرن های متمادی بر اساس تولید خود مصرفی شکل گرفته و در برخی بخشها و مناطق در روند حرکت خود چنین شرایطی را شکل داده است. یکی از ویژگی های مهم بازار کار در ایران نرخ بیکاری آن است. هدف دولت و برنامه ریزان بازار کار کاهش نرخ بیکاری به سطح کمتر از ۱۰ درصد است. در ۲۰ سال گذشته ظرفیت های تولیدی به نحو قابل توجهی گسترش

و به تبع این موضوع مشاغل گسترده ای در اقتصاد ایجاد شده است. بخش عمده ای از ظرفیت‌های ایجاد شده به دلیل گسترش فعالیت بخش خصوصی، بخشی به واسطه گسترش سرمایه‌گذاری‌های دولتی می باشد. برغم افزایش های فوق، روند جذب نیروی کار به دلایل عوامل طرف عرضه، تقاضا و کارکرد نهادهای واسطه ای بازار کار نتوانسته نیروی کار مازاد فعلی را جذب نماید. عمده ترین دلایل ناتوانی اقتصاد در جذب نیروی کار را می توان سهم اندک بخش خصوصی از فعالیت های اقتصادی، سطح پائین کارآفرینی، وابستگی بخش کشاورزی به سیاست های دولت در عرصه اقتصاد، ورود فناوری های جدید کار اندوز، افزایش نرخ مشارکت نیروی کار، فشار عرضه کار به دلیل نرخ رشد بالای جمعیت در دهه اول انقلاب، سطح پایین رقابت پذیری فعالیت های اقتصادی و حضور ضعیف بخش های اقتصادی در عرصه بین المللی و رکود ناشی از آن در بازار فروش و مصرف ذکر کرد. با توجه به مکانیزیم پویا و رو به جلوی بیکاری در گروه های سنی مختلف ایجاد فرصت‌های شغلی در حد و اندازه ای نبوده است که بتواند فشار ناشی از بازار کار را به طور کامل رفع نماید.

آسیب پذیری اقتصاد روستایی به دلیل فقدان بسیاری از نهادهای اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با اقتصاد شهری تصویر متفاوتی را در بازار کار ایجاد نموده است. این تفاوت، تصویر اشتغال و بیکاری روستایی و شهری را دستخوش تغییر کرده است. پژوهش حاضر نقش کارآفرینی در ایجاد اشتغال روستایی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می دهد.

۲. ویژگی های کارآفرینی روستایی

کارآفرینی شرایطی است که فردی سازماندهی، مدیریت و پذیرفتن خطرات یک کسب و کار را عهده‌دار شود. (شاه حسینی، ۱۳۸۸) کارآفرین فردی نوآور و در عین حال توسعه گراست که با تشخیص فرصت، آنها را به ایده های عملی تبدیل می کند. چنین عملی موجب ایجاد ارزش افزوده، بهبود تجارت و کسب و کار و ایجاد سود برای فرد نوآور و کارآفرین می گردد. طبیعی است که فرد کارآفرین با تقبل ریسک و استفاده از توانمندی خود دارای رفتاری هدف گراست که با اعتماد به نفس و بکارگیری مهارت خود از شرایط اقتصادی به نحو مطلوبی بهره مند می شود.

در واقع کارآفرینی فرایند پویایی است که ارزش افزوده خلق می کند و افراد ریسک و تعهد کاری جدیدی را عهده دار می شوند. محصول کارآفرینی می تواند جدید یا قدیمی، عام یا خاص باشد. اما در هر صورت کارآفرینی محصول افزایش مهارت و استفاده از منابع و امکانات به شکل جدید می باشد. کارآفرینی در عین حال که موقعیت های جدیدی خلق می کند توأم با ریسک و رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی است که می تواند با شکست همراه باشد. تجاری شدن محصول کارآفرینی در موفقیت و شکست آن بسیار حایز اهمیت است. کارآفرینی با خلق ثروت همراه است، از منابع به نحو مؤثرتری بهره گیری می شود. ضایعات تولید کاهش می یابد و مشاغل قابل توجهی را ایجاد

می‌کند که در عین حال پایداری آنها قابل توجه است. کارآفرینی به هر شکلی که ایجاد شود متأثر از رفتارهای فردی و اجتماعی و محیط کسب و کار و کارآفرینانی است که در آن محیط اقتصادی به فعالیت مشغول هستند.

یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر رفتار کارآفرینان نظام های حمایتی و الگوهایی می باشد که بر رفتار کارآفرینان اثر می گذارد. در واقع کارآفرین با مشاهده الگوهای عینی توانایی های خود را در این عرصه به منصفه ظهور می رساند. این الگوها که الگوهای نقش نامیده می شوند در پایه گذاری رفتار کارآفرینان، هدایت، مشاوره و پشتیبانی از آنان نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. تهیه اطلاعات، ساختار سازمانی، کسب منابع مالی مورد نیاز و بازاریابی نقش سازنده ای در این میان دارد. با توجه به این که کارآفرینی فعالیتی است که در یک بستر اجتماعی شکل می گیرد تعاملات

در واقع کارآفرینی فرایند پویایی است که ارزش افزوده خلق می کند و افراد ریسک و تعهد کاری جدیدی را عهده دار می شوند.

و ارتباطات انسانی در آن نقش انکار ناپذیری دارند. این شبکه ها می توانند رسمی یا غیر رسمی باشند. شبکه های رسمی نهادها و سازمان های رسمی موجود، همکاران تجاری، صنف و اتحادیه صنفی، عرضه کنندگان کالا و خدمات، دولت و نهادهای مالی و پولی و وزارت خانه های تخصصی و سازمان ها و کارگزارن مشاوره ای و خدماتی در یک اقتصاد می باشند. شبکه های غیررسمی اعضای خانواده و دوستان می باشند که فرد کارآفرین را از نظر روحی و تخصصی مورد حمایت قرار می دهند. اعتماد به دوستان و خانواده نقش مهمی را در این عرصه ایفا می نماید.

علاوه بر این خود شاغلان^۱ نقش مهمی را از نظر تجربه کاری و مشکلات فراروی فعالیت کارآفرینانه به یک کارآفرین گوشزد می نمایند. در واقع مجموعه ای از عوامل فوق است که می تواند یک کارآفرین را مورد حمایت جدی خود قرار دهد.

کارآفرینی فعالیتی عملی است که از اندیشه ای نو منشاء می گیرد. طبیعی است که این فرایند از الگوها و مدل های رایج علمی تبعیت می کند. کارآفرینی به هر شکلی باشد فعالیت های نوآورانه جزئی از آن است و خود کارآفرینی فعالیتی بیشتر از نوآوری و خلاقیت می باشد. این فعالیت نیازمند سرمایه و پشتیبانی مالی از شروع یک کسب و کار است. آمادگی افراد کارآفرین برای استفاده از

فرصت‌ها یکی دیگر از ویژگی‌های آنان است. در تمامی الگوهای کارآفرینی شناسایی نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های مخاطره‌آمیز، تدوین برنامه زمان‌بندی مشخص و داشتن یک راهبرد دقیق در فعالیت مورد نظر جزئی از حرکت کارآفرینانه است. در این روند کارآفرینان موفق از ناکامی‌ها و شکست‌های خود تجارب زیادی را کسب می‌کنند.

با توجه به شناخت مختصری از فعالیت کارآفرینی مدل مختلف کارآفرینی و ویژگی‌های آنان با توجه به کارآفرینی روستایی تشریح می‌گردد. الگوهای نگرش به کارآفرینی را می‌توان از منظرهای خرد و کلان اقتصادی تشریح و تبیین نمود. در دیدگاه کلان، بیشتر عوامل محیطی کسب و کار، حاکمیت سرمایه و اندیشه‌های جایگزینی در ایجاد کارآفرینی و فعالیت‌های مربوطه نقش دارند (شاه حسینی، ۱۳۸۸). در این الگوها نهادها، ارزش‌ها و آداب و رسوم که در کنار هم یک چارچوب محیطی، سیاسی و اجتماعی را شکل می‌دهند توسعه کارآفرینی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای نمونه، رشد یک فرد در محیطی پویا و توأم با خلاقیت بر رفتار وی اثر می‌گذارد. محیط کار و زندگی در ایجاد روش‌های کارآفرینانه موثر است. این شیوه در کشورهای توسعه یافته که به خلاقیت بهای بیشتری داده می‌شود معنادارتر بوده و عمومیت گسترده تری دارد.

در مکتب اندیشه مالی به عوامل اقتصادی و پیگیری سود شخصی بهای بیشتری داده می‌شود و کارآفرینی عمدتاً از منظر مدیریت مالی نگریسته می‌شود. در مکتب اندیشه‌های جایگزین افراد در صورتی به فعالیت‌های کارآفرینانه رو می‌آورند که از انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منع شوند. این دیدگاه بیشتر با رویکردی سیاسی و فضای بسته اقتصادی و اجتماعی به تحلیل پدیده کارآفرینی می‌پردازد.

در نگرش خرد اقتصادی به کارآفرینی به عنوان پدیده‌ای از درون نگریسته می‌شود. طبق این نظر جایگاه خانوادگی و تحصیلی و داشتن صفات معین نظیر هدف، خلاقیت، اراده و دانش فنی عواملی هستند که کارآفرینان موفق از خود نشان می‌دهند. برخی این موضوع را به فرصت‌های کاری نسبت داده‌اند. در این نوع طرز تفکر خلاقیت به تجربه کاری و انجام پروژه‌های عملی اقتصادی بستگی دارد. در این رویکرد در مسیر فعالیت هر فرد فرصت‌هایی شکل می‌گیرد که توانایی تشخیص و فرصت‌پیاده‌سازی آن را کارآفرینان درک می‌کنند. علاوه بر این برخی افراد با مهارت و قابلیت‌های خود در ایجاد نوآوری نقش مهمی دارند. منابع منحصر به فرد و محصولات منحصر به فرد در همین راستا طبقه‌بندی می‌شوند.

برخی بررسی‌ها کارآفرینی را فعالیتی فرایند محور می‌دانند. (Bygrave, 1994) در این روش نوآوری متأثر از محیط بیرونی (فرصت‌ها، الگوها و خلاقیت) و درونی (ریسک‌پذیری فرد، تحصیلات، تجربه، کنترل داخلی، ارزش‌های شخصی) فرد می‌باشد که فرد فعالیتی را آغاز و پیاده‌سازی می‌کند. در این میان فرد کارآفرین، تبعات چنین موقعیتی که شامل از دست دادن شغل، تحصیلات، سن و جنس می‌شود را پذیرا بوده و در رقابت با محیط کسب و کار، دولت، منابع موجود، سیاست‌های

دولتی و محیط کسب و کار قرار می‌گیرد تا در نهایت بتواند رشد کند. طبیعی است تمامی عوامل مؤثر بر محیط، رقبا، مشتریان، بانکداران، منابع و سیاست‌های دولتی از این عوامل متأثر می‌شوند. در زمینه کارآفرینی روستایی در ایران و سایر کشورهای جهان نیز عوامل متعددی نقش دارند. برخی عوامل فردی می‌باشند. طبیعی است فرد کارآفرین روستایی برای کارآفرین شدن نیازمند برخورداری از تجربه کاری، گرایش به پذیرش ریسک، رضایت شغلی، داشتن والدین کارآفرین، وجود تحصیلات و سن مناسب است.

از سوی دیگر، برخی عوامل کارآفرینی محیطی هستند. دسترسی به سرمایه و منابع مالی، حضور کارآفرینان مجرب، نیروی کار فنی، دسترسی به بازارهای جدید، پایه صنعتی وسیع، رقابت با سایر رقبا، موانع و محدودیت‌های موجود در راه اندازی و ورود به یک صنعت یا فعالیت، وجود نواحی شهری بزرگ و تقاضای گسترده، فشار ناشی از تولید کنندگان و مصرف کنندگان و شرایط و کیفیت زندگی از جمله عوامل محیطی مؤثر بر کارآفرینی هستند که فرایند فرصت‌های کسب و کار توسط یک کارآفرین روستایی، انباشت منابع و بازاریابی محصول وی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. طبیعی است سیاست‌های دولت در زمینه کشاورزی، برای نمونه، اعطای وام به کارآفرینان، سیاست‌های مربوط به زیرساخت‌های آموزشی و تحصیلی در بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی، نهادهایی نظیر ترویج و خدمات روستایی که آموزش‌های کاربردی را در این خصوص ارائه می‌دهند تنها برخی از عوامل مهم در زمینه عوامل محیطی و کسب و کار مؤثر بر کارآفرینی هستند که فرایند شکل‌گیری آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. سایر نهادهای مؤثر روستایی نظیر بانک‌های توسعه‌ای کشاورزی، تعاونی‌های تولید، نهادهای توزیع آب، بازارهای موجود محصولات در این زمینه نقش مهمی در ایجاد انگیزه افراد، باور و علائق آنان ایفا می‌کنند. علاوه بر عوامل فوق، قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت کارآفرینانه، قوانین حمایت از حقوق مالکیت، موانع ورود به یک فعالیت، تشریفات اداری مراحل راه‌اندازی یک کسب و کار و محدودیت‌های تجاری از جمله عوامل محیطی هستند که در قالب سیاست‌های دولت طبقه‌بندی می‌شوند.

عوامل سازمانی نیز نقش مؤثر و حساسی در فرایند کارآفرینی ایفا می‌کنند. برای نمونه، محصول جدید، نحوه قرارداد با مشتریان، قوانین دولتی، صدور مجوز تولید کالاها و محصولات، انجام سرمایه‌گذاری‌های مشترک، بدست آوردن منابع بالقوه، واگذاری بازار از جمله عوامل مؤثر سازمانی بر کارآفرینی روستایی می‌باشند. تشویق به نوآوری، تشکیل تیم‌های کاری مشارکتی و گروهی، شناسایی افراد برای خطرپذیری و خلاقیت، تفویض قدرت تصمیم‌گیری به افراد خلاق، حل مشکلات از طریق مشاوره و هم‌فکری، دسترسی به وجوه و منابع جهت انجام کار، تشویق از طرف مدیریت عالی، انجام حمایت‌های مالی برای کار از جمله مواردی است که عامل سازمانی در ایجاد روحیه کارآفرینی نقش ایفا می‌کند.

بنابراین، در مجموع چه در بعد ملی و چه در بعد بخشی، ملی و بین‌المللی عوامل مهمی چون

توانایی فردی، توانایی سازمانی و عوامل محیطی نقش سازنده ای در کارآفرینی دارند. تعامل و آثار متقابل بین این سه نیز در ایجاد فرایند کارآفرینی اثرگذار است. در برخی مواقع از دست دادن ناگهانی شغل، خشکسالی ها، مهاجرت از شهر به روستا یا از نقطه ای به نقطه دیگر، بحران های مالی، تغییرات شدید محیط اقتصادی و به طور کلی تهدیدها و فرصت های اقتصادی از عوامل مؤثر بر فعالیت کارآفرینی می باشند.

کارآفرینی روستایی نیز از عوامل فردی، محیطی و سازمانی متأثر می شود. این موضوع در اکثر کشورهای جهان مصداق داشته و عملکرد کارآفرینان تا حدود زیادی وابسته به عوامل فوق بوده است. در واقع کارآفرینان، از مجموعه ای از توانمندی های فنی، انسانی، مهارتهای ادراکی برخوردار بوده اند.

۳. کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه

نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی موضوعی انکارناشدنی است. کارآفرینی از طریق ایجاد ثروت، ایجاد اشتغال، نوآوری و افزایش رفاه در فرایند توسعه اقتصادی نقش ایفا می کند. توجیه کارآفرینی در توسعه اقتصادی از طریق بهبود در کارایی، رقابت، نوآوری در تولید، قیمت گذاری و تداوم فعالیت در یک صنعت در بازار امکان پذیر می باشد. در این مقاله، مشکلات مربوط به اندازه گیری کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه در قالب مطالعات صورت گرفته ارزیابی و معرفی می شود.

کارآفرینی از منظرهای متفاوتی بررسی می شود: کارآفرینی رسمی و غیر رسمی، قانونی و غیرقانونی؛ کارآفرینی ضروری یا مبتنی بر بدست آوردن فرصت. روشهای رایج در ارزیابی کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه از طریق داده های مبتنی بر خوداشتغالی، داده های کارآفرینی در مقیاس جهانی، داده های تحقیقاتی کارآفرینی بانک جهانی و داده های کشورهای عضو سازمان اقتصادی همکاری های توسعه (OECD) می باشند. کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه، با تغییرات مثبت زیادی همراه است، ایجاد اشتغال، ایجاد ثروت، نوآوری و تأثیر این عوامل بر رفاه اجتماعی از پیامدهای کارآفرینی است. نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی، چه در کشورهای در حال توسعه و چه توسعه یافته، موضوعی قابل توجه است. بسیاری از ملاحظات اقتصادی دهه ۱۹۸۰ به دلیل عدم توجه کافی نظریه پردازان اقتصادی به موضوع کارآفرینی با شکست مواجه شدند. به دلیل این که کارآفرینی ذاتاً مزایای زیادی داشت که سایر مؤلفه های توسعه اقتصادی، فاقد آن بودند. آن دسته از استراتژی های توسعه ای که روش بالا به پایین را برگزیدند در دستیابی به اهداف خود چندان موفق نبودند. (desais, 2009)

از منظر دیگری، کارآفرینی فعالیتی محلی و منطقه ای است و شرکت هایی جدید می توانند به سرعت مزایائی را برای میزبانان خود به ارمغان بیاورند. به عبارت دیگر، کارآفرینی موجب افزایش تمرکز توسعه اقتصادی بر اساس توانمندی های جامعه می شود. در گذشته در روند توسعه اقتصادی،

تأکید و تمرکز اساسی بر ایجاد زیرساختهای قوی بود و روشهای بکارگیری آنها را نادیده می گرفتند، اما امروزه کارآفرینی می تواند با حداقل منابع و بدون برخورداری از زیرساخت های قوی نیز کار کند. به بیان دیگر، کارآفرینی می تواند روشی کم هزینه و مؤثر در روند توسعه اقتصادی باشد. هرچند ملاحظات توسعه اقتصادی قادر به ایجاد زیرساختها و تغییرات کلان اقتصادی بودند اما نمی توان به بررسی سریع و کوتاه مدت مشکلات بپردازد.

کار آفرینی با بررسی وضعیت درآمد و اشتغال در سطوح مختلف، برای کارآفرین، کار و درآمد و برای دیگر مردم مشاغل و درآمدهای اضافی بوجود می آورد. بسیاری از مطالعات تجربی در رابطه با کارآفرینی، منتج به نتایج سازگار و هماهنگی با اهداف توسعه ای شده است.

(Kirzner 1997) (Hoffmann, Larsen and Oxholin 2006: 10) (Hall 2007) مراجعه شود.

۴. رابطه میان کارآفرینی و رشد اقتصادی

رشد اقتصادی و کارآفرینی به عنوان دو مقوله نزدیک به هم از زمان آدام اسمیت تاکنون مورد مناقضات بسیاری بوده است. برای مثال در الگوی رشد سولو سرمایه فیزیکی و نیروی کار توسعه دهنده رشد اقتصادی بودند. بعد از جنگ جهانی دون رشد اقتصادی تابعی از جایگزینی میان تمرکززدایی دولتی از یک سو و کارایی از سوی دیگر بود. بسیاری از ادبیات و مقاله های اقتصادی به این موضوع می پرداختند تا نتایج حاصل از تولید در مبنای انبوه چه می باشد و آیا ارتباطی میان افزایش کارایی و تمرکز اقتصادی وجود دارد و اقتصاد چه دستاوردی از بنگاه های بزرگ خواهد داشت. برای مثال شومپیتر (۱۹۴۲) این موضوع را طرح می کرد تا ایجاد صنایع بزرگ موتور اصلی رشد اقتصادی محسوب می شود. در هر حال بحث های متعددی صورت گرفت تا نشان دهد بین بهره وری مولد و تمرکز برحسب رقابت ارتباط نزدیکی وجود دارد.

لازم به ذکر است نباید تصور کرد که قبل از طرح نظریه رشد درونزا نقش دانش در رشد اقتصادی مورد توجه قرار نمی گرفت. برای نمونه در نظریه سولو عواملی غیر از عامل کار و سرمایه وجود داشتند که در حسابداری رشد، کارایی رشد را تبیین می کردند. با این وجود، معرفی عامل دانش در مدل های رشد اقتصادی توسط رویم (۱۹۸۶) و لوکاس (۱۹۸۸) تدوین و طراحی شد. این دو به دلیل ارائه موضوع حرفه های خارجی^۱ و آثار نشی^۲ ناشی از عامل دانش در رشد اقتصادی مشارکت قابل توجهی به این موضوع داشتند.

کارآفرینی در قالب بنگاه های کوچک می تواند نقش مهمی در اقتصاد دانش محور^۳ ایفا نماید. برخلاف نظریه های نوآوری که توسط چندلر (Chandler, 1977)، شومپیتر (۱۹۴۲) و گالبرایت (۱۹۶۲) مطرح شد و نقش نوآوری و تغییر تکنولوژی در رشد را مورد تأکید قرار می دادند.

1- externalities

2- spillover

3- Knowledge-based economy

به عبارت دیگر این نظریه پردازان نقش بنگاه های کوچک در نوآوری و تغییر تکنولوژی را ناچیز می دانستند. اما بسیاری از نظریه پردازان اقتصادی نظیر برچ (Birch, 1981) دریافتند، که در برخی اقتصادها نظیر اقتصاد آمریکا موتور ایجاد شغل بنگاه های کوچک هستند. بنگاه های کوچک در ایجاد مجموعه ای از مشاغل جدید موفق هستند. اما نوآوری و تغییر تکنولوژی ماورای موضوع اشتغال بوده و در برخی موارد به دلیل تغییرات تکنولوژی مشاغل کمتری ایجاد می کند. امروزه این اعتقاد وجود دارد که کارآفرینی در قالب بنگاه های کوچک موتور رشد اقتصادی و موتور بازسازی صنعت محسوب می شوند. براین اساس کارآفرینی از مقوله ایجاد فرصت و بهره برداری تا رشد مورد تأکید شومپیتری متمایز است. براساس نظریه کارآفرینی مبتنی بر سرریز دانش^۱ (Audretsch, Keilbach and Lehman, 2006) فرصت کار آفرینی مقوله ای برونزا و جدا از اقتصاد نیست اما توسط بنگاه های موجود با سرمایه گذاری در دانش و ایده های جدید بدست می آید اما تجاری کردن این مقوله دشوار است.

بنابراین، اگر نظریه پردازان رشد اقتصادی درونزا آثار سرریز دانش را فرایندی خودکار می دانند، اما دانش موجود مانعی برای آثار سرریز و تجاری شدن دانش جدید است. کارآفرینی با حفظ کانال اثرگذاری سرریز دانش به بازسازی صنعت کمک نموده و حلقه های مفقوده مدل های رشد اقتصادی را از بین می برد.

۵. کار آفرینی خلق فرصت های جدید

یکی از سوالات اساسی این است، فرصت های جدید کسب و کار از کجا ناشی می شوند. در این زمینه دیدگاه های متعددی وجود دارد برای مثال هربرت و لینک (Herbert & Link, 1989) معتقدند که سه رویکرد در توسعه ادبیات کارآفرینی وجود دارد. این سه رویکرد مبتنی بر: الف) رویکرد آلمانی است که براساس دیدگاه میز (Mises)، کرزنر (Kerzner) و شاکل (Shackle) معتقد است فرصت های کارآفرینی جریان پیوسته ای از شوک های (برونزا) هستند که در پاسخ به تغییرات فیزیکی محیط (با توجه به قیمت نسبی عوامل تولید) یا براساس دانش (در قالب نوآوری) ایجاد می شوند این دیدگاه در مورد اینکه شوک های واقعی از کجا ناشی شده اند توضیحی نمی دهد. چون شکل گیری فرصت های جدید به صورت برونزا و نه درونزا ایجاد شده اند. مطالعاتی که در این خصوص صورت گرفته چندان تفاوتی با هم ندارند. برای نمونه، جاری لو (Jarillo, 1990) و کروگر (Krueger, 2003) گفته اند که قلب کارآفرینی جهت گیری به سمت دیدن فرصت هاست که این پرسش اساسی را مطرح می سازد تا ماهیت کارآفرینی از منظر فکر و اندیشه چه می باشد و از منظر شناخت این موضوع، دیدن یک فرصت و اقدام به انجام آن چه می باشد؟

در مجموع رویکرد سنتی به موضوع کارآفرینی وجود فرصت های کسب و کار را مقوله ای ثابت

پنداشته و این پرسش را مطرح می کند که فرآیند شناخت^۱ کارآفرینی بین افراد مختلف دارای چه ویژگی هایی است. در این متدولوژی فرصت فردی و کارآفرینی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد. در این راستا اکهارت (Eckhart, 2003) و شین (Shane, 2001) معتقدند که کارآفرینی از فرض اطلاعات کامل نشأت می گیرد. اطلاعات ناقص دسترسی به فرصت های موجود را در میان افراد مختلف با مشکل مواجه می کند. منبع دستیابی در میان افراد به توانایی های شناختی و همچنین اطلاعات آنان، تفاوت های روانشناختی و دستیابی به سرمایه اجتماعی و مالی بستگی دارد.

۶. کارآفرینی حلقه گمشده رشد اقتصادی

می دانیم انتشار دانش بطور اتوماتیک، صورت نمی گیرد بلکه همان گونه که در مدل های رشد درونزا فرض می شود مکانیسمی مانند کارآفرینی لازم است تا به عنوان کانالی جهت انتشار و تجاری کردن دانش عمل کند. شواهد تجربی در ۱۸ کشور عضو سازمان همکاری های توسعه اقتصادی دال بر این است که علاوه بر پژوهش و توسعه، سرمایه انسانی و کارآفرینی به عنوان عاملی برای ارتقاء رشد اقتصادی ضروری است. انتشار مقاله سولو آثار مهمی در رابطه با عوامل سنتی تولید، سرمایه و نیروی کار برای رشد اقتصادی به همراه داشت. در توسعه تئوری رشد درونزا، دانش نیز به عوامل سنتی تولید اضافه شده و مستقیماً رشد اقتصادی را توصیف می کند. بسیاری از کشورهای اروپائی، علیرغم سرمایه گذاری قابل توجه در زمینه تحقیق و سرمایه انسانی، رشد اقتصادی مختصری داشته اند و این امر، نشان دهنده ای است که انتشار دانش مانند آنچه در مدل های رشد درونزا فرض شده بطور خودکار صورت نمی گیرد و مکانیسمهایی برای تسهیل انتشار دانش لازم است. هدف این مقاله آزمون تجربی چنین مکانیسمی است که موجب افزایش رشد اقتصادی است و کارآفرینی نام دارد. بر این اساس، سولو مشاهده کرد که افزایش نیروی کار و سرمایه، افزایش رشد اقتصادی را توجیه نمی کند. او نقش قابل توجهی برای پیشرفت تکنیکی قائل شد. اهمیت مشاهدات سولو در مکانیسم نامعلومی است که نتیجه آن پیشرفت تکنیکی و انباشت دانش است و این شکاف (مکانیسم نامشخص)، توسط تئوری رشد درونزای مبتنی بر توسعه دانش در اواخر دهه ۱۹۸۰ برطرف شد. طبق مدل های رشد درونزا شرکت های سود ده، به تولید دانش می پردازند بگونه ای که در دوره های بعد نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

۷. سابقه موضوع

امروزه نوآوری بنیاد جدیدی برای رشد و ایجاد فرصت های مولد اشتغال می باشد. نگاهی به مطالعات نشان می دهد که انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ نتیجه ظهور دانش در فناوری بوده است. فردریک لیست در قرن ۱۹ بر ایجاد نهادها و زیرساخت هایی تأکید دارد که موجب رشد نیروهای

تولیدی در جامعه می شوند. وی منشاء زیرساخت ها و نهادها را تولید و توزیع مناسب دانش می داند. مارکس تضاد میان نیروهای تولیدی و روابط اجتماعی تولید را محرکه تغییر نظام اقتصادی و اجتماعی می داند و رشد نیروهای تولیدی را حاصل رشد دانش و توسعه علوم و کاربرد آن در تحولات نظام های اقتصادی و اجتماعی می داند. نئوکلاسیکها در قرن بیستم به نقش دانش در رشد اقتصادی توجه نموده و در تابع تولید عوامل کار، سرمایه و مواد اولیه را نزولی فرض می کرده اند. رشد تکنولوژی موجب افزایش تولید به صورت برونزا می شد. این مکتب رشد فناوری را تابعی از کاربرد علوم در فرایند تولید می دانستند. شومپیتر نقش نوآوری و ابداعات را در رشد اقتصادی مورد توجه قرار داد. هیرشمن بر سهم دانش در نوآوری ها و اثر آن بر رشد اقتصادی تأکید نموده است. رومر و گراسمن عوامل اصلی رشد اقتصادی بلند مدت را در عامل دانش و سرریزهای ناشی از آن بیان می کنند. در نظریه آنان دانش به مثابه کالای عمومی است که از طریق افراد، خانوارها و کارگزاران اقتصادی گسترش می یابد. از آنجا که بازار خاصی برای مبادله دانش وجود ندارد و اطلاعات مربوط به خریدار و فروشنده به شدت نامتقارن است، نقش دانش را در رشد اقتصادی مورد تحلیل قرار می دهند. در نظریه رومر و دیگران دانش به صورت برونزا در نظر گرفته می شود. کوا با تأکید بر اقتصاد بدون وزن، اقتصاد مبتنی بر دانایی را اقتصادی می داند که رشد ارزش افزوده در آن از طریق کالاهایی با وزن کم و دارای تکنولوژی بالا و کارآفرینی بدست می آید. بر خلاف دهه های گذشته که رشد اقتصاد بر مبنای تولید محصولات سنگین استوار بوده است، امروزه سهم دانش در قالب نوآوری و کارآفرینی در ایجاد ارزش افزوده به مراتب بیش از سایر عوامل تولید است و مهمترین عوامل تعیین کننده در سطح زندگی کشورها، سهم دانش در تولید کالاها و خدمات می باشد. مجموعه این مطالعات موجب بروز اقتصاد اندیشه ها توسط رومر شد. رومر نشان داد که اندیشه ها، ایده ها و باورهای جدید موجب رقابت ناپذیر بودن تولید و بازدهی فزاینده به مقیاس تولید و شرایط رقابت ناقص در بازار می شوند. وی نشان داد که اندیشه ها رقابت ناپذیرند و با خلق آنها هر فرد یا بنگاهی که نسبت به آن آگاهی پیدا کند می تواند از مزیت رقابتی آن بهره مند شود.

نورث (۱۹۹۳) علت رشد اقتصادی را توسعه نهادهای مؤثر بر آن منجمله وجود نهادهای تحقیق و توسعه، نهادهای تشکیل سرمایه انسانی و حمایت دولت از حقوق مالکیت معنوی بیان می کند به اعتقاد وی فرایند انباشتی که در طول سالهای متمادی از طریق ایجاد نهادهای مربوطه رخ داده است علت رشد اقتصادی جدید است. وی در تشریح نرخ رشد فناوری های جدید نرخ بازدهی اجتماعی آنها و نهادهای اثرگذار بر انگیزه افراد به عنوان مخترعان، نوآوران، کارآفرینان و محققان را مورد تأکید قرار می دهد. در اقتصاد دانش محور امروزی اختراع و نوآوری مهمترین عامل تولید و رشد اقتصادی محسوب می شود. کشورهایی که دارای نرخ رشد بالاتری از نوآوری و کارآفرینی هستند نسبت به سایر کشورها از عملکرد بالاتری برخوردارند. نوآوری تعبیری برای استفاده مؤثر از دانش است. به عبارت دیگر، کاربرد نوآوری توسط هر بنگاهی است که ایده های جدید را در فرایند تولید، خدمات،

بهبود فرآیندها یا در سیستم مدیریتی و بازاریابی مورد استفاده قرار می‌دهد. به تعبیر دیگر، نوآوری اگر به شکل خلاق در فرایند تولید به کار گرفته شود منجر به ایجاد ارزش افزوده جدید در قالب محصولات جدید، فرآیندها و خدمات جدید می‌شود.

در ایران در مورد تأثیر کار آفرینی بر اشتغال روستایی مطالعه قابل توجهی صورت نگرفته است. اما برخی مطالعات عمومی تر در این عرصه به شرح زیر است. فرجادی (۱۳۷۸) در کتاب تحلیل بازار کار ایران در برنامه سوم توسعه، تصویر کاملی از وضعیت اشتغال بخش‌های اقتصادی و مسایل و مشکلات آنها ارائه می‌دهد. ماهر (۱۳۷۹) اشتغال بخش کشاورزی را از منظر مسایل و تغییرات منابع انسانی با توجه واقعیت‌های موجود تحلیل و ارزیابی نموده است. وی ضمن بررسی پدیده کهن سالی در بخش، ناتوانی در جذب نیروهای متخصص را به عنوان چالش اساسی کشاورزی در دهه جاری مورد تأمل قرار داده است. زمانی (۱۳۸۰) آسیب شناسی دانش آموختگان بخش کشاورزی را از منظر دستیابی به شغل مطالعه نموده است.

در اغلب مطالعات، نرخ رشد تولید، هزینه واقعی استفاده از نیروی کار و سرمایه، بهره‌وری سرمایه، شاخص کاربری (نسبت کار به سرمایه)، اعتبارات عمرانی دولت، عمران و نوسازی روستاها، اعتبارات اعطایی بانک‌ها به بخش کشاورزی، سهم صادرات محصولات به ارزش افزوده بخش و سطح و گسترش اراضی قابل کشت از متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر تقاضای نیروی کار بخش کشاورزی قلمداد می‌شود.

در مطالعات داخلی عادل و رافعی (۱۳۸۵) به بررسی جریان خصوصی سازی و تأثیر آن بر تقویت کارآفرینی در ایران پرداخته‌اند. آنها با اشاره به اهداف مد نظر از جمله کاهش حجم تصدی و دخالت دولت در اقتصاد، تقویت ظرفیت کارآفرینی و افزایش کارایی بنگاه‌ها، تخصیص بهینه منابع و ایجاد تعادل اقتصادی، یکی از دلایل عمده برای خصوصی سازی تشویق کارآفرینی دانسته‌اند. آنها تأکید کرده‌اند خصوصی سازی بنگاه‌ها را وادار می‌کند تا از منابع و مهارت‌های توسعه یافته در تطبیق با تقاضای بازار جهت باقی ماندن استفاده نمایند. خصوصی سازی از طریق ایجاد فعالیت‌های جدید سرمایه گذاری و نوآوری و تقبل ریسک بین بنگاه‌های مختلف به کار آفرینی منجر می‌گردد

آنها نشان داده‌اند که خصوصی سازی بر ظرفیت کارآفرینی شرکتها اثر مثبت داشته که موید این امر است که کارآفرینی در محیطی می‌تواند ظهور یابد که متکی بر سازوکارهای بازار باشد. مطالعه تأکید می‌کند که در الگوهای اقتصادی وضعیت اقتصاد مبتنی بر بازار مناسبترین شرایط برای فعالیت‌های کارآفرینانه محسوب می‌شود.

شکر حسین و همکاران (۱۳۸۱) به منظور بررسی رابطه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت‌نفس با کارآفرینی را در پژوهش خود بررسی و نتایج نشان می‌دهد بین خلاقیت و کارآفرینی، بین انگیزه پیشرفت و کارآفرینی، بین عزت‌نفس و کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد. بطور کلی یافته‌های این پژوهش نشان دهنده ارتباط ویژگی‌های روانشناختی (خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت‌نفس) با

کارآفرینی است.

شریف زاده و زمانی (۱۳۸۵) با هدف تعیین سطح روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، به بررسی چهار خصیصه مطرح در ادبیات کارآفرینی (توفیق طلبی، قدرت طلبی، رقابت مندی و ریسک پذیری) در بین دانشجویان پرداخته اند. یافته های این مطالعه نشان داد که ۵۱/۲، ۳۷/۱، ۳۹/۸ و ۴۹/۴ درصد از دانشجویان به ترتیب، از نظر چهار خصیصه مورد مطالعه در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. بین دانشجویان سال دوم و سال چهارم و دانشجویان دختر و پسر از نظر سطح روحیه کارآفرینی تفاوت معنا داری وجود ندارد. در این تحقیق ابعاد کارآفرینی در دانشجویان گرایش های تحصیلی (رشته های) مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفته است. مرتضوی و مهارتی (۱۳۸۳) در مقاله خود، ابعاد حمایت محیطی از واحدهای کوچک تولیدی مستقر در شهر مشهد و میزان برخورداری آنان از این ابعاد را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.

**خصوصی سازی بنگاه ها را وادار می کند تا از منابع و مهارت های توسعه یافته
در تطبیق با تقاضای بازار جهت باقی ماندن استفاده نمایند.**

هدف این پژوهش دستیابی به دیدگاه ایجاد کنندگان واحدهای کوچک تولیدی در صنعت فلزات اساسی با تاکید بر رویکرد کارآفرینی نسبت به برخورداری آنان از حمایت در ابعاد خدمات مالی، خدمات مدیریتی، خدمات بازار یابی و خدمات اداری و حرفه ای از جانب مسئولان و دست اندر کاران فعالیت های اقتصادی است. جامعه آماری در این تحقیق شرکت هایی را شامل می شود که در صنعت فلزات اساسی فعالیت دارند و کارکنان آن کمتر از ۱۰ نفر است گسترده تحقیق مجموعاً ۴۸ شرکت را در بر می گیرند که بین آنها تعداد ۳۲ شرکت با روش نمونه گیری تصادفی از جامعه محدود به عنوان نمونه انتخاب گردید. روش تحقیق از نوع پیمایشی و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است.

نتایج حاصله حاکی از آن است که واحدهای مورد مطالعه در هیچ یک از ابعاد چهارگانه حمایت، شامل: خدمات اداری- حرفه ای، کمکهای مالی، فنون مدیریتی و خدمات بازاریابی از حمایت برخوردار نشده اند. ایجاد کنندگان شرکت های تولیدی بر این باورند که از حمایت های مالی و مشاوره ای چه در بدو تاسیس و چه در حال حاضر، در دریافت تسهیلات و اعتبارات بانکی، برخورداری از صندوق حمایت از فعالیت های کارآفرینانه، برخورداری از مشاوره در ارتباط با نحوه استهلاك

تجهیزات و ماشین آلات مورد حمایت واقع نشده اند.

رویکرد تحقیق هزارجریبی (۱۳۸۴)، توجه و تاکید بر نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی از طریق ایجاد اشتغال مولد و سرمایه گذاری جدید بر نیروهای انسانی کارآمد است. اهداف این پژوهش شناسایی فرصتهای کارآفرین، ارزیابی پتانسیل نیروی انسانی کارآفرین در بخشهای اقتصادی و شناسایی وضعیت موجود کارآفرینی و محدودیتهای آن ذکر شده است. روش بررسی در این پژوهش روش توصیفی بوده است. داده های این تحقیق از نوع داده های ثانویه بوده و واحد تحلیل ویژگی کارآفرینان بوده که در قالب سوال از ۲۸۲ کارآفرین انجام شده و بر اساس آن تحلیلهای آماری صورت پذیرفته است. این پژوهش با بررسی چندین فرضیه تایید کرده است که فعالیت های کارآفرینانه به ایجاد فرصت های جدید اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی منجر می شود. این مقاله در پایان بر نقش دولت در ایجاد و توسعه کارآفرینی تاکید کرده و فرهنگ سازی، اصلاح سیستم آموزشی، ارائه تسهیلات و خدمات آموزشی، حمایت های اجرایی، کمکهای آموزشی و مشاوره ای را به عنوان راه حل های برای توسعه کارآفرینی مطرح می کند. مشبکی و فتحی (۱۳۸۱) در مطالعه خود با ارائه شاخص ها و آماری افزایش جمعیت، ضعف در برنامه ریزی صحیح و بلندمدت اقتصادی و فقدان برنامه جامع و همه سو نگر برای پرورش نیروی انسانی را از مهمترین مسائل و مشکلاتی دانسته اند که باعث شده تا پدیده اشتغال به یک بحران و ضرورت اجتماعی و اقتصادی در کشور تبدیل شود. آنها با اشاره به تحولات انقلابی حاصل از همگرایی بین فرایند توسعه اطلاعات و فرایند توسعه فناوری ارتباطات به چالش ها و فرصت های جدیدی که بر سر راه اشتغال ایجاد شده اشاره کرده و لزوم در نظر گرفتن و انتخاب راهبردی جدید برای ورود به قرن ۲۱ را گوشزد می کنند. آنها خودکارآفرینی را مهمترین راهبردی دانسته اند که برای پاسخگویی به چالش ها و بهره گیری از فرصت های باید مد نظر قرار بگیرد. بر این اساس هدف از تحقیق آنها ارایه یک الگوی اولیه برای خودکارآفرینی برای شناسایی وضع موجود و بهینه صنایع کشور و شرایط بهبود آنها است. در این راستا ابعاد مختلف مسائل مرتبط با نیروی کار در سازمان و کل کشور تحلیل می شود تا بتوان ماهیت نیروی کار شناخته شود. در این مقاله، کار، انسان، ساختار و فناوری ارتباطات به عنوان عناصر اصلی راهبرد خودکارآفرینی معرفی شده و ویژگیهایی که هر یک از عناصر لازم است در این راهبرد داشته باشند به تفصیل توضیح داده شده است. به عبارت دیگر سعی شده معنای جدید این مفاهیم در قالب یک اقتصاد خودکارآفرین معرفی شود.

علاوه بر آن با استفاده از روش دلفی در سه مرحله، نظرسنجی لازم از برخی خبرگان به عمل آمده است و موانع توسعه این راهبرد در ایران و پیشنهادات لازم برای کاربرد

آن ارایه گردیده است. جامعه مورد بررسی خبرگان در این مقاله ۱۵ نفر از دانشجویان رشته‌های مدیریت و اقتصاد در حال تحصیل در دوره کارشناسی ارشد و دکترا و ۱۰ نفر از متخصصین اقتصادی و مدیریتی (هیات علمی) بوده‌اند. بر این اساس موانع به کارگیری راهبرد خودکارآفرینی در کشور معرفی و بر اساس آن راهکارهایی ارایه شده است. لازم به توضیح است موانع و راه کارها بیشتر به مسائل مدیریتی و مواردی نیز به مسائل مربوط به بیمه، آموزش، مالیات و بازنشستگی اشاره دارد.

جواهری و قضایی (۱۳۸۳) در مقاله شان، نازل بودن سطح کارآفرینی زنان شاغل ایرانی با استفاده از متغیرهای مختلف را تبیین کرده‌اند. آنها در نوشتارشان ضمن به رسمیت شناختن تفاوت‌های طبیعی زنان و مردان بر این باورند که نابرابری‌های جنسیتی موجود در جامعه ایران، که بیشتر جنبه اجتماعی و فرهنگی دارد، از قابلیت کارآفرینی زنان می‌کاهد. در این زمینه به نقش خانواده، نظام تعلیم و تربیت، باورهای کلیشه‌ای، ناهماهنگی انتظارات نقشی و مناسبات حاکم بر سازمان کار اشاره کرده‌اند. این مقاله بر مبنای روش بررسی اسنادی تنظیم شده و نگارندگان مقاله کوشیده‌اند در تشریح نظرات خود از یافته‌های پژوهشی سایر محققان نیز استفاده کنند. در این مقاله عوامل محدودکننده کارآفرینی زنان در محورهای مختلف با بهره‌گرفتن از شاخص‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. خانواده، نظام تعلیم و تربیت، باورهای کلیشه‌ای، رسانه‌های جمعی، هنجارهای اجتماعی رسمی و غیررسمی، شیوه تقسیم کار و توزیع منابع ارزشمند در انتقال نگرش‌های جنسیتی و ساختن خود انسان نقش موثری دارند. بنابراین هویت جنسیتی یعنی تصورات، معانی، ارزش‌ها و انتظارات مربوط به یک جنس از طریق تعامل اجتماعی در عرصه‌های مختلف به انسان منتقل می‌شود و ساختار روانی و شخصیتی او را می‌سازد. مقاله نتیجه می‌گیرد که برچسب‌های جنسیتی که بر نوعی نابرابری میان مرد و زن دلالت دارد از خلال تعالیم خانواده، نظام تعلیم و تربیت، باورهای کلیشه‌ای، انتظارات نقشی و مناسبات حاکم بر کار به زنان منتقل می‌شود. به این ترتیب هویت آنها یعنی این‌که آنان در در مقام زن چه ادراکی از خود داشته باشند، خود را چگونه ارزیابی کنند و خود را قادر و خواهان انجام دادن چه اعمال و رفتاری بدانند شکل می‌گیرد. انگیزه‌ها، علایق و نیروهای درونی و در نهایت ساختار روانی و شخصیتی زنان به این ترتیب ساخته و پرداخته می‌شود. بسیاری از قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که لازمه امر کارآفرینی است مانند عزم راسخ برای تغییر و نوآوری، قدرت رهبری، تحمل خطر، میل به پیشرفت تحت تاثیر نابرابری جنسیتی کمتر در زنان قوام پیدا می‌کند و همین امر از احتمال کارآفرین شدن زنان می‌کاهد.

پذیرش واقع بینانه تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد، پرهیز از مقایسه‌های بی‌مورد که

موجب کاهش عزت نفس می شود، اعتماد به استعدادها و توانایی های خود، هدفمندی و انتخاب برنامه های منطقی، رشد تفکر عقلانی، تلفیق میان عقل و احساس، حساسیت نسبت به تحولات زمان و همچنین مشارکت در فعالیت های اجتماعی به خصوص سازمانهای صنفی غیردولتی در مجموع مهارتهای کارآفرینی زنان را افزایش می دهد.

حسینیان و همکاران (۱۳۸۶) پژوهشی با هدف «بررسی اثر بخشی آموزش های آماده سازی شغلی و کارآفرینی بر تمایلات کارآفرینی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله داوطلب استفاده از تسهیلات اشتغالزایی شهر تهران» انجام داده اند. روش نمونه گیری این پژوهش تصادفی چند مرحله ای بوده و ابزار پژوهش پرسشنامه بوده است. ارزیابی کارآفرینی با سه زیر مقیاس انگیزه پیشرفت، ارزیابی عادات کاری و کارآفرینی انجام شده است.

یافته های پژوهش نشان می دهد که آموزش های آماده سازی شغلی و کارآفرینی اثر معناداری بر تمایلات کارآفرینی جوانان متقاضی استفاده از تسهیلات اشتغالزایی شهر تهران دارد. ضمناً تفاوت معناداری بین متقاضیان دختر و پسر از لحاظ تمایلات کارآفرینی مشاهده شده، به بیان دیگر تمایلات کارآفرینی پسران بیشتر از تمایلات کارآفرینی دختران است. علاوه بر این، سطح تحصیلات عامل اثرگذاری بر ایجاد و افزایش تمایلات کارآفرینی متقاضیان استفاده از تسهیلات اشتغالزایی است. این بدان معناست که بیشترین تمایلات کارآفرینی ابتدا در میان افرادی که دارای مدارک کارشناسی (لیسانس) هستند، سپس در افرادی که دوره کاردانی (فوق دیپلم) را گذرانده اند و در انتها در افراد دیپلمه مشاهده شده است.

هدف کلی از مطالعه بدری و همکاران (۱۳۸۵) بررسی قابلیت های کارآفرینی (استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری و خلاقیت) دانشجویان دانشگاه اصفهان و تاثیر آموزشهای دانشگاهی در افزایش این قابلیتهاست. پژوهش از نوع کاربردی است و از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه استفاده شد. نمونه آماری مشتمل بر ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال ۸۴-۸۳ بود که از طریق نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند.

یافته های مطالعه نشان داد که قابلیت های کارآفرینی دانشجویان (استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت) بالاتر از حد میانگین بود، اما نمرات ریسک پذیری از متوسط نمره معیار پایین تر بود. این مقاله دلایل احتمالی را برای بالا بودن قابلیت های کارآفرینی برخورداران از تحصیلات عالی، شرایط محیطی، ارتباط با جامعه دانشگاهی، محیط اجتماعی، مذهب و شرایط سنی و موقعیت جوانی می داند. اما پایین بودن نمرات ریسک پذیری دانشجویان را آموزشهای دانشگاهی ناکارآمد و ناتوانی جامعه در پرورش فرهنگ ریسک پذیری عنوان می کند. نتایج فوق همچنین آموزشهای دانشگاهی در پرورش ویژگی های کارآفرینی در دانشجویان موثر نبوده است.

پژوهش مدهوشی و بخشی (۱۳۸۲) با هدف شناسایی مهمترین موانع کارآفرینی سازمانی در دانشگاه

مذکور صورت گرفته است. متغیرهای مستقل موثر در سه دسته موانع محیطی، وجود گروه های ذینفع متعدد و دوگانگی و تعدد اهداف انتخاب شده اند. نوع تحقیق کاربردی و به روش توصیفی و همبستگی است. در جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه و مصاحبه و در تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق عبارت بود از ۸۷ نفر از روسا، معاونان و مدیران دانشگاه و از طریق پاسخ به پرسش نامه بوده است.

یافته های تحقیق نشان داده که موانع داخلی بیشترین تاثیر منفی را در ایجاد کارآفرینی سازمانی در دانشگاه مازندران داشته اند. موانع محیطی در این زمینه کمترین نقش بازدارنده را داشته اند. از بین موانع داخلی، تصمیمات نامناسب مدیران عالی در انتصاب و انتخاب مدیران زیردست و از بین موانع منتجی، متغیر فرهنگی - اجتماعی و از بین موانع محیطی نیز فقدان رقابت، بیشترین تاثیر منفی را بر کارآفرینی دانشگاه نهاده اند. همچنین در این تحقیق برای زیرمجموعه های موانع داخلی، موانع منتجی و موانع محیطی رتبه بندی (آزمون فریدمن برای رتبه بندی) انجام شده و نتیجه گرفته شده که در رتبه بندی موانع داخلی تصمیمات نامناسب مدیریت عالی در رتبه اول، عدم تفویض اختیار در رتبه دوم و دوگانگی و تعدد اهداف در رتبه آخر قرار داشته اند. در رتبه بندی موانع منتجی فرهنگ محافظه کاری در رتبه اول، تغییرات مکرر مدیریت و افق زمانی کوتاه در رتبه دوم و امکان ادامه فعالیت سازمان با وجود ناکارآمد بودن در رتبه سوم و تعریف سنتی از موفقیت در رتبه آخر قرار دارد. در رتبه بندی موانع محیطی فقدان رقابت در رتبه اول، نداشتن اختیار سیاستگذاری و تعیین مأموریت خارج از سازمان در رتبه دوم و زیاد مشهود بودن در رتبه سوم و تعدد گروه های ذینفع در رتبه آخر قرار گرفته است.

پروانه (۱۳۸۷) در مقاله خود به بررسی شاخص های تعیین کننده بهره وری زنان کار آفرین پرداخته است و بر اساس نظر سنجی از زنان کار آفرین میزان شاخص های بهره وری در آنان تبیین شده است.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که بر اساس نظر خبرگان شاخص های رشد در فروش و نوآوری در تولید، روش تولید و نوآوری در بازار و همچنین تامین نیازهای اقتصادی خانواده، کسب قدرت و اعتبار در جامعه، دستیابی به رضایت شغلی، رفاه خانواده و ایجاد تعادل در زندگی خانوادگی و کاری، شاخص های تعیین کننده بهره وری زنان کار آفرین محسوب می شوند که از بین شاخص های فوق، نوآوری در روش تولید و ایجاد تعادل در زندگی خانوادگی و کاری از مهمترین شاخص های بهره وری زنان کار آفرین محسوب می شوند. بر اساس شاخص های به دست آمده، زنان ایرانی توانسته اند بین زندگی کاری و شخصی خود تعادل ایجاد کرده و در کسب قدرت و اعتبار در جامعه بسیار موفق باشند. همچنین در محصولات و روش تولید خود نوآوری بالایی داشته باشند، به عبارت دیگر زنان کار آفرین در این زمینه ها بهره وری قابل توجهی داشته اند.

در پژوهش هزار جریبی (۱۳۸۲) به ویژگی های کارآفرینی در بین دانش آموختگان دانشگاهها و

مؤسسات آموزش عالی به ویژه رشته های علوم انسانی پرداخته شده است. بطور مشخص کارآفرینی در عرصه نشریات و مطبوعات کشور در دو سطح توصیفی و تبیینی مورد بررسی قرار گرفته است. شیوه نمونه گیری در این تحقیق به صورت نمونه گیری سیستماتیک و تصادفی بوده و با استفاده از ابزار پرسشنامه و انتخاب حجم نمونه از جامعه آماری مطبوعات کشور (از بین ۳۷۶ نشریه اجتماعی و فرهنگی حدود ۷۵ نشریه انتخاب شده و از بین شاغلان و دست اندرکاران مطبوعاتی تعداد ۲۸۶ نفر برای پاسخگویی به سوالات انتخاب شده اند.) به بررسی تجربی میزان کارآفرینی دانش آموختگان رشته های علوم انسانی پرداخته شده است.

در پژوهش حاضر نشان داده شده است که مهارت فردی، انگیزه فردی، ریسک پذیری، نیاز به توفیق و خلاقیت تاثیر فوق العاده ای در کارآفرینی مطبوعاتی داشته و موتور محرکه توسعه فرهنگی و مطبوعاتی سالهای اخیر بوده است. برخی متغیرهای دیگر از جمله گذراندن دوره های آموزشی کوتاه مدت یا ضمن خدمت تاثیر چندانی در کارآفرینی نداشته است.

سلیمی فر و مرتضوی (۱۳۸۴) موفقیت مراکز آموزش فنی و حرفه ای در زمینه تشکیل سرمایه انسانی و نیز پرورش روحیه کارآفرینی را بررسی کرده اند. جهت انجام تحقیق از روش تحقیق پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه و مشاهده استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق ۱۳۴۵۸ نفر از آموزش دیدگان فنی و حرفه ای مراکز سیزده گانه فنی و حرفه ای خراسان در سال های ۱۳۷۸-۱۳۸۰ می باشد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی - طبقاتی، ۱۴۳۲ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند.

نتایج به دست آمده از تحقیق بر این امر دلالت دارند که آموزشهای فنی و حرفه ای توفیق قابل توجهی در پرورش نیروی ماهر کار (سرمایه انسانی) و تربیت نیروی انسانی خود اشتغالی (کارآفرین) داشته و می توانند به عنوان یک راه میان بر در جهت توسعه سرمایه انسانی ایفای نقش نمایند. با وجود این، توفیقات بیشتر در تشکیل چنین سرمایه ای، نیازمند توجه جدی تری به ابعاد انگیزشی، تجهیزاتی، آموزشی و ساختاری در این مراکز است. تنگناهای آموزشی، کمبود تجهیزات کارگاهی، کوتاه بودن دوره های آموزشی، تفاوت سطح تکنولوژی وسایل کارگاهی در مقایسه با موارد مشابه در صنعت در کاهش توفیقات مراکز فنی و حرفه ای موثر بوده است.

۸. ارزیابی آثار کارآفرینی بر اشتغال بخش کشاورزی در اقتصاد ایران

بطور کلی بازار کار، همچون بازار سایر کالاها و خدمات، دو جنبه مختلف عرضه و تقاضا متصور می باشد که آنها تحت تاثیر عوامل مختلفی می تواند باشد. برخی از عوامل طرف عرضه عبارتند از رشد جمعیت، میزان مشارکت، ساعات کار در یک واحد زمانی و ... و مواردی مانند استفاده از ظرفیت های تولید، سرمایه گذاری جدید و توسعه ظرفیت های تولید، فن آوری جدید، اقتصاد جهانی و عوامل طرف تقاضای بازار کار می باشد (نادری، ۱۳۸۰).

تعداد جمعیت آماده به کار از طرف رشد واقعی جمعیت، نرخ مشارکت و تغییر رفتار شاغلان از لحاظ تعداد ساعت کار تأثیر می‌پذیرد. نرخ مشارکت از سه جنبه قابل بحث و تحلیل است، اول از جنبه نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، دوم از جنبه جلوگیری از افتادن سن شروع به کار تازه واردان به بازار کار و سوم از جنبه به تأخیر افتادن خروج بازنشستگان و سالخوردگان از بازار کار. تغییر رفتار شاغلان از لحاظ تعداد ساعت کار در شبانه‌روز نیز نقش تعیین‌کننده در عرضه نیروی کار دارد. جنبه اخیر، تغییر رفتار کار در قبال ساعات کار، نقش مؤثری در شکل‌گیری عرضه نیروی کار بجا گذاشته و بر این اساس مطالعه تخصیص وقت بین کار و استراحت و اینکه در تخصیص وقت به کار چند ساعت کار می‌کند، هسته اصلی تئوری‌های عرضه نیروی کار را تشکیل می‌دهد. البته این‌که تصمیم‌گیری فرد برای تخصیص زمان در یک لحظه از زمان انجام گیرد یا در طول زمان باعث بوجود آمدن دیدگاه‌های ایستا و پویا به عرضه نیروی کار می‌شود (هرندی و همکاران، ۱۳۸۵).

در زمینه تقاضای نیروی کار بسته به شرایط و ساختار بازار، تئوری‌های مختلفی مطرح می‌باشد. این تئوری‌ها را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. دسته‌ای از تئوری‌ها در شرایط ایستا و برخی دیگر در شرایط پویا مطرح شده‌اند. تئوری‌های ایستا در یک مقطع زمانی معین، وضعیت تقاضای نیروی کار از سوی کارفرمایان را مورد بررسی قرار می‌دهند. در مقابل، تئوری‌های پویا تقاضای نیروی کار از سوی واحدهای تولیدی را طی چند دوره زمانی در نظر می‌گیرند. رهیافت پویای تقاضای نیروی کار، تفاوت تقاضای واقعی و مطلوب برای نیروی کار مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در این ارتباط نقش هزینه‌های تعدیل و عدم تعادل مورد بحث قرار می‌گیرد. از منظر دیگر، دسته‌ای از تئوری‌های تقاضای نیروی کار برای شرایط رقابت کامل و برخی دیگر برای شرایط رقابت ناقص طراحی شده‌اند. تئوری‌هایی که برای رقابت کامل طراحی شده‌اند، فقط به نقش قیمت‌ها در تعیین اشتغال توجه دارند، در حالیکه تئوری‌های تقاضای نیروی کار برای شرایط رقابت ناقص مطرح شده‌اند، علاوه بر نقش قیمت‌ها به نقش اثرات تولیدی بر اشتغال نیز تأکید دارند. تئوری‌های تقاضای نیروی کار را می‌توان از منظر فرض تعادل یا عدم تعادل در بازار کار نیز مورد بررسی قرار داد. برخی از تئوری‌های تقاضای نیروی کار مبتنی بر فرض تعادل در بازار کار بوده و فرض می‌کنند تقاضای نیروی کار برابر اشتغال است. در مقابل تئوری‌هایی دیگری وجود دارند که مبتنی بر عدم تعادل در بازار کار بوده و اشتغال در این مدل‌ها برابر با حداقل مقادیر عرضه و تقاضا شده نیروی کار می‌باشد. بنابراین، در این تئوری‌ها وقوع بیکاری (عرضه نیروی کار بیشتر از تقاضای نیروی کار است) با وجود فرصت‌های شغلی خالی (تقاضای نیروی کار بیشتر از عرضه نیروی کار است) (فرجادی و همکاران، ۱۳۷۸)..

علاوه بر این بازار کار در تعامل با سایر بازارهای چهارگانه (کالا و خدمات، پول، کار و سرمایه) اقتصادی است که هرگونه نارسایی در آن بازارها می‌تواند در عملکرد درست این بازار اخلال ایجاد نماید. البته هرگونه اجرای سیاست‌های فعالی در بازار کار نیز به طور متقابل بر بازارهای دیگر اثر دارد.

بنابراین این نگاه دو سویه به این ارتباط قابل تامل و اهمیت بوده و ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های اتخاذ شده در بازارها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. بنابراین سیاست‌های اتخاذ شده دولت در هر یک از حوزه‌ها می‌تواند بر بازار کار موثر باشد (فرجادی و همکاران، ۱۳۷۸). معمولاً "با توجه به گستردگی سیاست‌ها در مبانی نظری، آنها را به چهار نوع مختلف سیاست‌های کلان اقتصادی موثر بر رشد اشتغال، سیاست‌های فعال بازار کار، سیاست‌های تنظیم بازار کار و سیاست‌های منفعل بازار کار تقسیم کرد (ازوجی، ۱۳۸۶). از لحاظ زمانی سیاست‌های کلان برای دوره زمانی بلند مدت، سیاست‌های فعال برای دوره کوتاه مدت و میان مدت، سیاست‌های تنظیمی برای دوره میان مدت و بلندمدت و سیاست‌های حمایتی برای دوره کوتاه مدت و میان مدت قابل اجرا است. ضمن این‌که گروه‌های هدف این سیاست‌ها نیز تا حدودی تفاوت است.

در این قسمت با هدف بررسی آثار کارآفرینی بر اشتغال در بخش کشاورزی به عنوان یک از اصلی‌ترین فعالیت در جامعه روستایی، ابتدا به تصریح الگوی کلی تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی پرداخته می‌شود.

قابل ذکر است بخش کشاورزی شامل زیربخش‌های زراعت، باغداری، دامپروری، جنگلداری، ماهیگیری، شکار و خدمات وابسته است و یکی از بخش‌های مهم اقتصاد ایران به شمار می‌رود. در این بخش، به دلیل وجود تعداد زیاد تولیدکنندگان و تقاضاکنندگان، یک ساختار رقابتی بر بازار حاکم است. بیشتر فعالیت‌های این بخش توسط بخش خصوصی انجام می‌گیرد و سهم دولت در آن کم است. بیشتر نیروی کار در این بخش به دلیل خرده مالکی و کوچک بودن واحدهای زراعی، از داخل خود خانوارها تأمین می‌شود. سهم مزد و حقوق بگیران در این بخش کم است. با توجه به ملاحظات پیش گفته و این واقعیت که در مسیر توسعه اقتصادی و برنامه‌های توسعه بیشترین توجه به بخش صنعت و خدمات است، این شرایط برای بخش کشاورزی ایران نیز اتفاق افتاده و سهم آن در تولید و اشتغال کل کشور در دوره ۱۳۸۶-۱۳۷۵ روند نزولی داشته است. بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۶ سهم حدود ۱۳ درصدی از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۷۶ و سهمی برابر ۱۷/۶ درصد از کل شاغلان کشور را به خود اختصاص داده است. افزون بر این، با وجود کاسته شدن از اهمیت آن در برنامه‌های توسعه، این بخش به دلیل وابستگی کمتر تولید آن به وقایع و بحران‌ها به‌ویژه قیمت نفت و مسائل سیاسی، از این مسائل کمتر آسیب‌دیده و تغییرات تولید آن بستگی به عوامل دیگر داشته است. تولید در بخش کشاورزی کاربر است. برآورد سهم نیروی کار از تولید نشان می‌دهد که متوسط سهم نیروی کار از تولید حدود ۷۱/۸ درصد برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۷۵ است. شاخص سرمایه‌بری (نسبت سرمایه به نیروی کار) برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۷۵، حاکی از آن است که این بخش با داشتن نسبت ۰/۰۱ از متوسط کل اقتصاد در این دوره، ۰/۰۸ کمتر بوده که نشان‌دهنده کاربر بودن این بخش است (امینی و همکاران، ۱۳۸۸).

همانطور که در مقدمه این بخش تاکید شد، در زمینه الگوهای تقاضای نیروی کار با حجم عظیمی

از الگوها و پژوهش‌های گوناگون مواجه هستیم. بطور کلی می‌توان تابع تقاضای نیروی کار را به صورت زیر تصریح نمود.

$$L = L(W, Y, Z, \epsilon)$$

که در تابع فوق L تقاضای نیروی کار در هر دوره، W نرخ دستمزد، سطح تولید، Z بردار دیگر تعیین کننده‌های تقاضای نیروی کار، ϵ جزء تصادفی می‌باشد. گفتنی است با افزایش سطح تولید انتظار می‌رود تقاضا برای نیروی کار افزایش یابد. یعنی برای تولید بیشتر نیروی کار بیشتری مورد نیاز است. از طرف دیگر انتظار می‌رود با افزایش قیمت نیروی کار تقاضا برای نیروی کار کاهش یابد. بردار Z می‌تواند شامل انواع مختلف متغیرهای موثر بر تقاضای نیروی کار باشد. این متغیر می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

متغیر کاربری یا سرمایه‌بری: باید گفت که با افزایش قیمت نسبی نیروی کار، تقاضا برای نیروی کار کاهش و سرمایه جایگزین نیروی کار می‌شود. به عبارت دیگر تکنیک تولید سرمایه برتر می‌شود، چون با افزایش سرمایه و کاهش نیروی کار، سرمایه سرانه که مبین سرمایه‌بری است افزایش می‌یابد.

موجود سرمایه، تکنولوژی، شروع کسب و کار و فعالیت‌های جدید یا کارآفرینی، اعتبارات بنابراین می‌توان گفت جهت بررسی آثار کارآفرینی و شروع فعالیت‌های جدید باید الگویی را مدنظر قرار داد که در حقیقت در آن اشتغال تابعی از فعالیت‌های کارآفرینی و یا شروع کسب و کار جدید باشد.

بدین ترتیب، الگوی نهایی تعیین شده برای برآورد تجربی در اقتصاد ایران به صورت زیر تعریف می‌گردد.

$$LEM_t = \beta_0 + \beta_1 LW_t + \beta_2 LY_t + \beta_3 LK_t + \beta_4 LEN_t + \epsilon_t$$

که در آن:

LEM_t : لگاریتم اشتغال در بخش کشاورزی

LW_t : لگاریتم سطح دستمزد

LY_t : لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶

LK_t : لگاریتم موجودی سرمایه به قیمت ثابت ۱۳۷۶

LEN_t : لگاریتم شاخص‌های کارآفرینی

ϵ_t : جزء تصادفی

۹. گردآوری آمار و داده ها

آمار اشتغال و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی از آماری موجود در دفتر نظارت برنامه اخذ شده است^۱. آمار مربوط به ارزش افزوده بخش کشاورزی از آمارهای بانک مرکزی می باشد. برای شاخص دستمزد با توجه به فقدان آمارهای این شاخص به صورت سری زمانی از شاخص خدمات ساختمانی و شاخص ضمنی تولید در بخش کشاورزی استفاده شده است.

در خصوص متغیر یا شاخص مرتبط با کارآفرینی باید گفت شاخص های مرتبط با این موضوع گوناگون می باشد و هر یک از این شاخص های جنبه های مختلفی از کارآفرینی را مورد تاکید قرار می دهند. برخی از این شاخص ها عبارتند از:

سرانه تولید ناخالص داخلی به ازای هر نفر شاغل، توانایی سرمایه گذاری مخاطره آمیز برای توسعه کسب و کار در کشور، میزان درک مدیران از کارآفرینی، هزینه کل تحقیقات در کشور، میزان دستیابی شرکتهای کوچک به منابع مالی

دسترسی به تحقیق و نوآوری و استفاده بهتر از ثبت اختراعات توسط شرکتهای کوچک و متوسط، بهبود دیدگاه خدمات حمایتی، بهبود امور دولتی، بهبود استخدام و شرایط کاری، تعداد کارگاهها و بنگاههای کوچک، سهم شاغلان در فعالیت های کارآفرین

در این مطالعه با توجه به نبود آمار و اطلاعات برای دستیابی به شاخص های فوق به خصوص در یک دوره بلند مدت، برای برآورد الگو از سه شاخص نسبت شاغلان دارای تحصیلات عالی، نسبت کارفرمایان به کل شاغلین و نسبت کارکنان مستقل به کل شاغلین در بخش کشاورزی استفاده شد. شایان ذکر است نسبت شاغلان دارای تحصیلات عالی شاخصی از سرمایه انسانی می باشد. افزایش این نسبت مبین افزایش آگاهی شاغلان و افزایش ریسک پذیری و بنابراین توانایی ایجاد کسب و کار جدید یا فعالیت های کارآفرین می باشد. با افزایش فعالیت های کارآفرینی انتظار می رود که تعداد شاغلین کارفرما و همچنین شاغلین مستقل نیز افزایش یابد. بنابراین افزایش نسبت شاغلین کارفرما و مستقل در کل شاغلین بخش کشاورزی می تواند دلیلی بر کارآفرینی و شروع فعالیتها و کسب و کار جدید باشد.

از آنجا که آمار و اطلاعات نیروی کار در مقاطع سرشماری عمومی نفوس و مسکن وجود دارد و برای میانی این سالها این آمار وجود ندارد باید برای استفاده به صورت سری زمانی، آمارها برای سالهای میانی تولید شود. بدین منظور بر اساس نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ آمار شاغلان بر حسب شاغلان دارای تحصیلات عالی، شاغلان کارآفرین و شاغلان مستقل بخش خصوصی در دسترس می باشد. برای برآورد آمار تعداد

۱- امینی، علیرضا (۱۳۸۸)، بازنگری و به روز رسانی برآورد آمارهای سری زمانی موجودی سرمایه ثابت و اشتغال به تفکیک بخشهای اقتصادی در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۶. دفتر نظارت بر برنامه معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور.

شاغلان در سالهای بین دو سرشماری روش های گوناگون وجود دارد. یکی از این روشها استفاده از روش درونیابی خطی لاگرانژ می باشد^۱. برای این منظور فرض می شود بین شاغلان با ویژگیهای مذکور و کل شاغلان رابطه زیر برقرار است:

$$LENt = a + b.LEMt$$

در رابطه فوق LEN تعداد شاغلان معرف کارآفرینی (شاغلان داری آموزش عالی، شاغلان کارفرما و شاغلان مستقل) LEM تعداد کل شاغلان و t زمان مورد نظر را نشان می دهد. ابتدا با استفاده از اطلاعات سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، پارامترهای a و b بدست می آید و سپس با توجه به موجود بودن سری زمانی آمارهای کل شاغلان می توان شاغلان مورد نظر برای سالهای بینابینی دو سرشماری بدست آورد (امینی، ۱۳۸۸). برای برآورد شاخص ها با ویژگیهای مذکور در سالهای ۱۳۸۷-۱۳۸۶ از نتایج طرح آمارگیری نیروی کار کمک گرفته شده است.

با استفاده از نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن در مقاطع سرشماری، آمار شاغلین به صورت جدول زیر می باشد: مطابق جدول مذکور اشتغال در دوره ۴۵-۵۵ با نرخ ۱/۲ درصد روند نزولی داشته است. در این دهه به استثنای شاغلان دارای آموزش عالی بقیه شاخص ها روند کاهشی داشته اند. به نظر می رسد کاهش اشتغال در این دوره به دلیل مکانیزه کردن بخش کشاورزی و تغییر در الگوی توسعه کشور با هدف صنعتی شدن کشور می باشد. در دوره ۵۵-۶۵ به دلیل وقایع انقلاب و جنگ با عراق اشتغال از رشد متوسط سالانه ۰/۶ درصد برخوردار بوده است. در این دوره متوسط رشد سالانه شاغلان کارفرما و مستقل به ترتیب ۱۱/۹ و ۳/۱ درصد بوده است.

در دهه ۶۵-۷۵ اشتغال در بخش کشاورزی در نتیجه بازسازی خسارات وارده بر امکانات سرمایه ای و سرمایه گذارهای جدید روند افزایشی داشته است. متوسط رشد اشتغال بخش کشاورزی در این دوره ۰/۵ درصد بود. متوسط رشد موجودی سرمایه در این دوره ۳/۱ درصد بود این در حالی است که این شاخص برای دوره ۶۵-۵۵ حدود ۰/۵ بود.

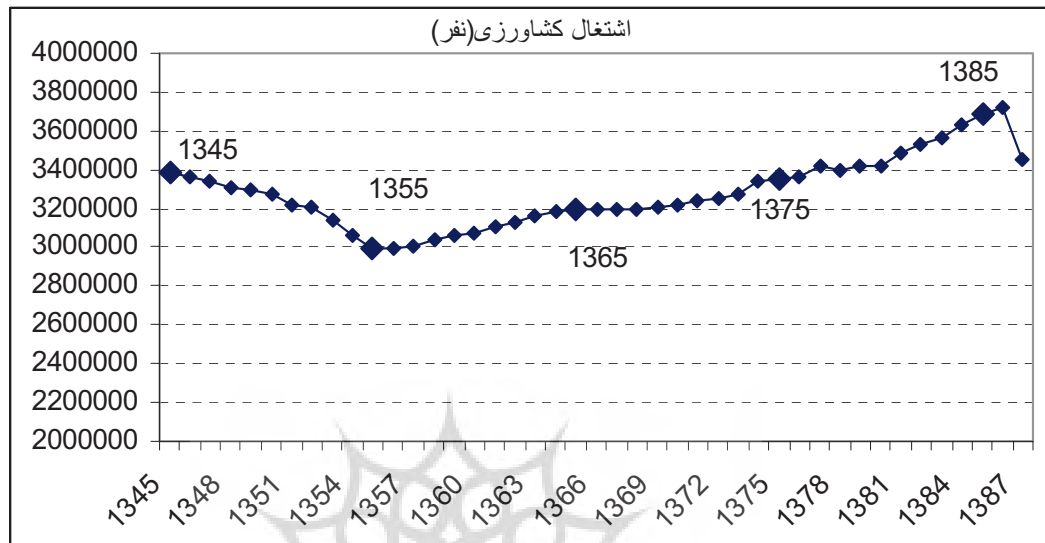
در دوره ۷۵-۸۵ با توجه به تاکید برنامه دوم بر بخش کشاورزی و محور بودن آن برای توسعه کشور و اصلاحات ساختاری مورد تاکید برنامه سوم و چهارم توسعه، بخش کشاورزی با تحولات مختلفی همراه شد. طی این دوره متوسط رشد سالانه ارزش افزوده ۳/۶ درصد و رشد اشتغال ۰/۹ درصد بود. متوسط رشد سالانه موجودی سرمایه نیز نسبت به دوره های قبل افزایش زیادی داشت و به میزان ۷/۵ درصد بود. در این دوره شاخص های معرف کارآفرینی روند افزایشی داشته است. نسبت کارفرمایان به کل شاغلین از رقم ۰/۳۷ در سال ۱۳۷۵ به رقم ۰/۰۶۱ در سال ۱۳۸۵ و نسبت شاغلین دارای تحصیلات عالی به کل شاغلین از رقم ۰/۰۴ در سال ۱۳۷۵ به رقم ۰/۰۱۴ در سال ۱۳۸۷ افزایش یافت. طی این دوره نسبت کارکنان مستقل به کل شاغلین تغییر قابل توجهی نداشته است. نمودارهای ۱، ۲، ۳ و ۴ روند شاخصهای اشتغال را طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۴۵ نشان می دهد.

۱ - برای اطلاع از روش درون یابی به مطالعه امینی، نشاط و اصلاحچی (۱۳۸۶) مراجعه شود.

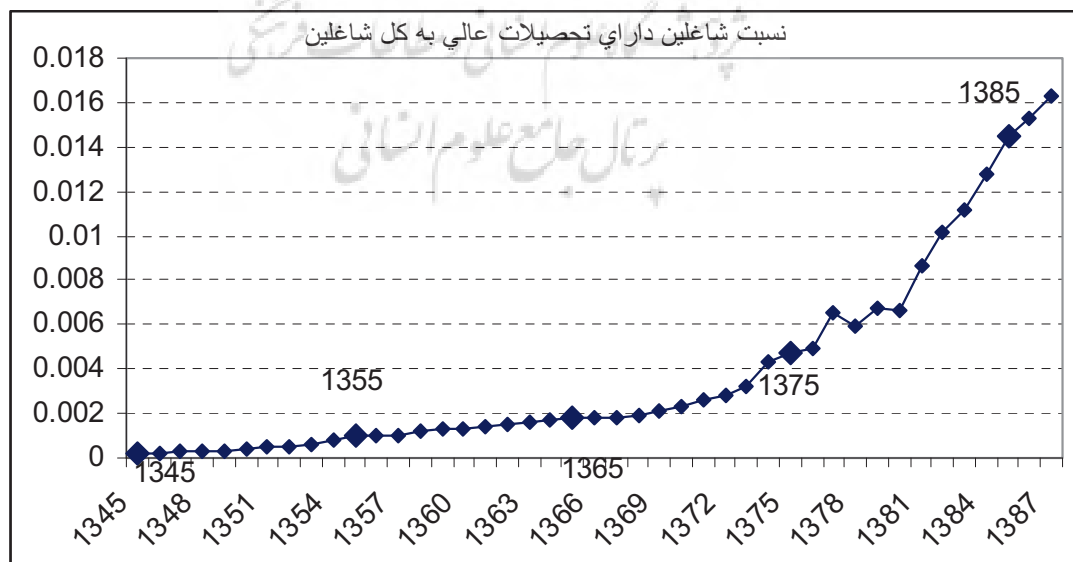
جدول ۱. شاغلان بخش کشاورزی بر حسب کارفرما، کارکنان مستقل و شاغلان دارای آموزش عالی و نسبت آنها از کل شاغلان

| نسبت کارکنان مستقل به کل شاغلین | نسبت شاغلین دارای تحصیلات عالی به کل شاغلین | نسبت کارفرمایان به کل شاغلین | شاغلین دارای آموزش عالی (نفر) | کارکنان مستقل (نفر) | کارفرمایان (نفر) | اشتغال کشاورزی (نفر) | |
|---------------------------------|---|------------------------------|-------------------------------|---------------------|------------------|----------------------|---------------------------------|
| ۰,۵۳۰ | ۰,۰۰۰۲ | ۰,۰۱۳ | ۶۴۸ | ۱۷۹۱۳۲۱ | ۴۵۲۵۴ | ۳۳۸۰۰۲۳ | ۱۳۴۵ |
| ۰,۵۷۲ | ۰,۰۰۱۰ | ۰,۰۱۲ | ۲۸۹۰ | ۱۷۱۲۴۳۱ | ۳۵۹۱۷ | ۲۹۹۱۸۶۹ | ۱۳۵۵ |
| ۰,۷۲۹ | ۰,۰۰۱۸ | ۰,۰۳۵ | ۵۶۳۰ | ۲۳۲۷۳۹۵ | ۱۱۰۴۲۶ | ۳۱۹۰۷۶۴ | ۱۳۶۵ |
| ۰,۶۵۰ | ۰,۰۰۴۷ | ۰,۰۳۷ | ۱۵۷۱۵ | ۲۱۸۱۷۰۵ | ۱۲۳۹۹۳ | ۳۳۵۷۲۶۳ | ۱۳۷۵ |
| ۰,۶۴۷ | ۰,۰۱۴۵ | ۰,۰۶۱ | ۵۳۳۵۱ | ۲۳۸۳۵۹۸ | ۲۲۳۹۴۹ | ۳۶۸۶۷۴۷ | ۱۳۸۵ |
| ۰,۶۵۲ | ۰,۰۱۵۳ | ۰,۰۵۷ | ۵۶۹۹۳,۰۳ | ۲۴۲۷۰۶۰ | ۲۱۲۱۳۱,۴ | ۳۷۲۱۱۱۸ | ۱۳۸۶ |
| ۰,۶۸۴ | ۰,۰۱۶۳ | ۰,۰۵۱ | ۵۶۳۸۱,۳ | ۲۳۶۲۶۶۶ | ۱۷۶۴۹۷,۹ | ۳۴۵۵۳۷۷ | ۱۳۸۷ |
| - | - | - | ۱۶,۱ | -۰,۴ | -۲,۳ | -۱,۲ | متوسط رشد سالانه دوره ۱۳۴۵-۱۳۵۵ |
| - | - | - | ۶,۹ | ۳,۱ | ۱۱,۹ | ۰,۶ | ۱۳۵۵-۱۳۶۵ |
| - | - | - | ۱۰,۸ | ۰,۶- | ۱,۲ | ۰,۵ | ۱۳۶۵-۱۳۷۵ |
| - | - | - | ۱۳,۰ | ۰,۹ | ۶,۱ | ۰,۹ | ۱۳۷۵-۱۳۸۵ |

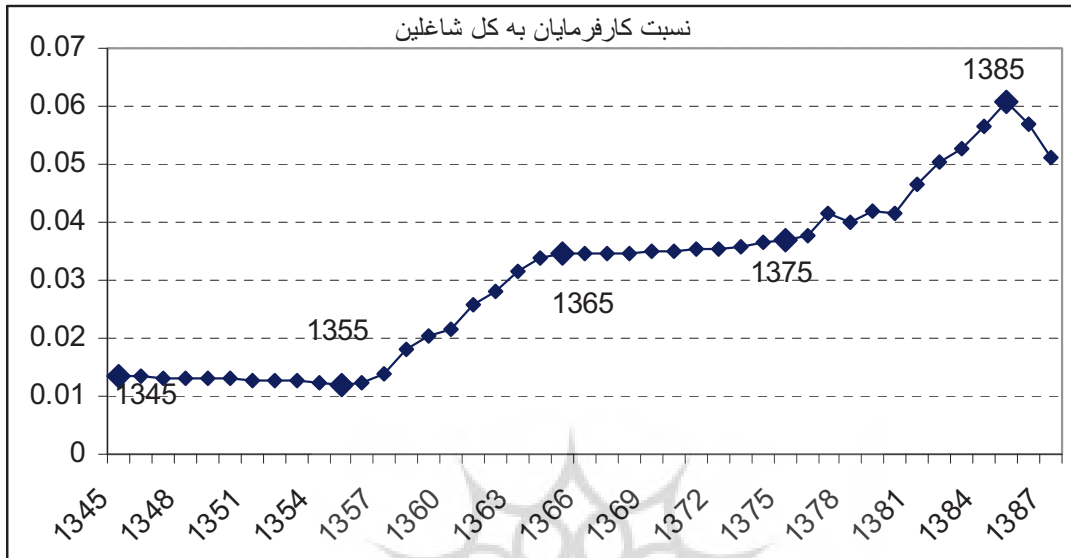
نمودار ۱. روند اشتغال در بخش کشاورزی طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۷



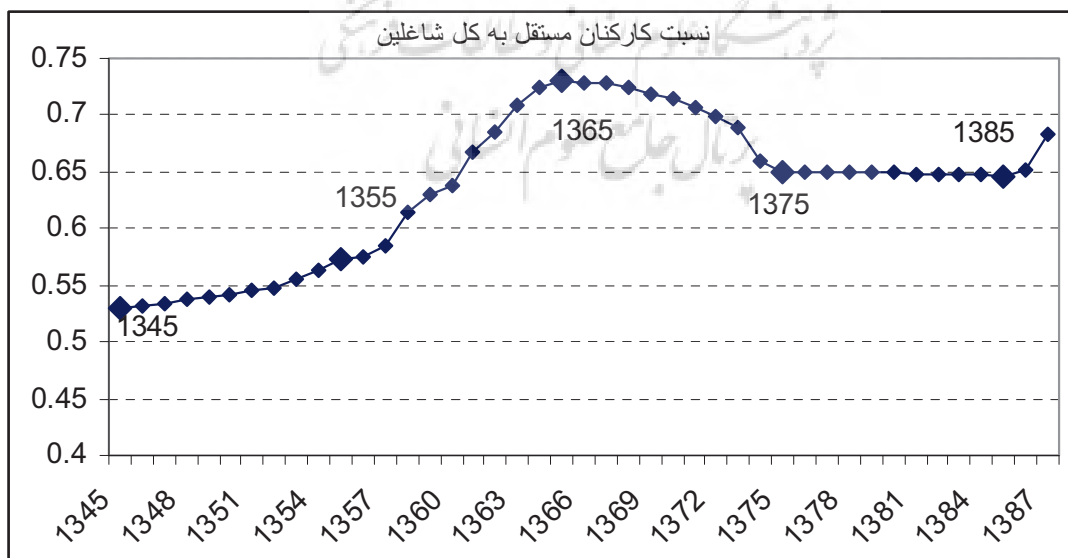
نمودار ۲. روند نسبت شاغلین دارای تحصیلات عالی به کل شاغلین در بخش کشاورزی طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۷



نمودار ۳. روند نسبت کارفرمایان به کل شاغلین در بخش کشاورزی طی سالهای
۱۳۴۵-۱۳۸۷



نمودار ۴. روند نسبت شاغلان مستقل به کل اشتغال در بخش کشاورزی طی سالهای
۱۳۴۵-۱۳۸۷



۱۱- یافته ها و نتایج تجربی

بر اساس مبانی تئوریک، مدل تصریح شده در قالب مدل رگرسیونی بصورت زیر می باشد:

$$\{X = \text{LEM}, (\text{LW}; \text{LPZ}), \text{LY}, \text{LK}, (\text{LTEEM}, \text{LEMPLOYER}, \text{LSEEM})\}$$

در این الگو LEM لگاریتم اشتغال کشاورزی، LW لگاریتم شاخص دستمزد خدمات ساختمانی، LPZ لگاریتم شاخص ضمنی تولید در بخش کشاورزی، LY لگاریتم ارزش افزوده کشاورزی، LK لگاریتم موجودی سرمایه، LTEEM لگاریتم نسبت شاغلان مستقل به کل شاغلان، LEMPLOYER لگاریتم نسبت شاغلان کارفرما به کل شاغلان و LSEEM لگاریتم نسبت شاغلان دارای آموزش عالی به کل شاغلان می باشد.

ابتدا سری های زمانی مذکور را تحت آزمون ایستایی قرار می دهیم تا رفتار شوک های وارده به این متغیرها را شناسایی کنیم. به عبارت دیگر با انجام این آزمون به دنبال آن هستیم که آیا شوکهای وارده به سیستم، روند پایدار متغیرهای مزبور را تغییر می دهد یا نه؟ بدین لحاظ برای بررسی ایستایی و ریشه واحد از آزمون دیکی- فولر افزوده (ADF) و فیلیپس و پرون (PP) استفاده می کنیم که نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است.



جدول (۱) : نتایج آزمون ADF و PP برای متغیرهای الگو

| PP | ADF | متغیرهای تحت آزمون ریشه واحد(تفاضل متغیرها) | PP | ADF | متغیرهای تحت آزمون ریشه واحد |
|----|-----|---|----|-----|---|
| ۰ | ۰ | DLW | ۱ | ۱ | لگاریتم شاخص دستمزد خدمات ساختمانی |
| ۰ | ۰ | DLY | ۱ | ۱ | لگاریتم ارزش افزوده کشاورزی |
| ۱ | ۱ | DLEM | ۲ | ۲ | لگاریتم اشتغال کشاورزی |
| ۰ | ۰ | DLPZ | ۱ | ۱ | لگاریتم شاخص ضمنی |
| ۱ | ۱ | DLK | ۲ | ۲ | لگاریتم موجودی سرمایه |
| ۰ | ۰ | DLTEEM | ۱ | ۱ | لگاریتم نسبت شاغلان مستقل به کل شاغلان |
| ۱ | ۱ | DLEMPLOYER | ۲ | ۲ | لگاریتم نسبت شاغلان کارفرما به کل شاغلان |
| ۱ | ۱ | DLSEEM | ۲ | ۲ | لگاریتم نسبت شاغلان دارای آموزش عالی به کل شاغلان |

ماخذ: محاسبات با استفاده از نرم افزار Eviews

بررسی خواص آماری داده ها در حالت های مختلف نشان می دهد که کلیه متغیرهای موجود در مدل، نا ایستا می باشند. پس شوک ها بر رفتار سری های زمانی متغیرها اثرات پایداری بر جای گذاشته و روند پایدار متغیرها را تغییر داده است.

برای برآورد ضرایب الگو از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. معادلات برآوردی در سه مدل جداگانه که هر کدام معرف شاخصی از کارآفرینی می باشد، به صورت زیر برای دوره ۱۳۸۷-۱۳۴۵ برآورد شده است. البته علاوه بر متغیرهای مورد نظر در الگو، متغیرهای بهره وری سرمایه، شاخص های کاربری، میزان اعتبارات اعطایی به بخش، متغیرهای سطح زیر کشت، متوسط نزولات آسمانی، نسبت تراکتور به زمین، شاخص قیمت کود شیمیایی، شاخص قیمت انرژی و روند نیز در برآورد الگو در نظر گرفته شد که یا ضرایب برآوردی بی معنی بودند و یا مخالف مبانی تئوریکی بوده اند از وارد کردن آنها به الگو صرف نظر شده است. البته لازم به ذکر است هدف این مطالعه بیشتر ارزیابی کارآفرینی بر اشتغال بخش کشاورزی می باشد لذا برآورد تئوریکی تابع تقاضای نیروی کار مد نظر نبوده است.

مدل ۱: استفاده از شاخص نسبت شاغلان دارای تحصیلات عالی به کل شاغلان بخش کشاورزی (TEEM)

$$LEM = 14.5 - 0.016LW + 0.02LK + 0.06LY + 0.06LTEEM - 0.009D5867$$

$$t \quad (51.5) \quad (-2.5) \quad (6.4) \quad (2.7) \quad (4.3) \quad (-2.02)$$

$$R^2 = 0.984 \quad \bar{R}^2 = 0.980 \quad F=186 \quad D.W= 1.58 \quad RESID; I(0)$$

مدل ۲: استفاده از شاخص نسبت شاغلان کارفرما به کل شاغلان بخش کشاورزی (EMPLOYER)

$$LEM = 13.5 - 0.01LW(-1) + 0.08LK + 0.09LY + 0.05LEMPLOYER + 0.01D65$$

$$t \quad (54.9) \quad (-2.2) \quad (7.1) \quad (4.4) \quad (4) \quad (2.2)$$

$$R^2 = 0.993 \quad \bar{R}^2 = 0.990 \quad F=1207 \quad D.W= 1.52 \quad RESID; I(0)$$

مدل ۳: استفاده از شاخص نسبت شاغلان کارکنان مستقل به کل شاغلان بخش کشاورزی (SEEM)

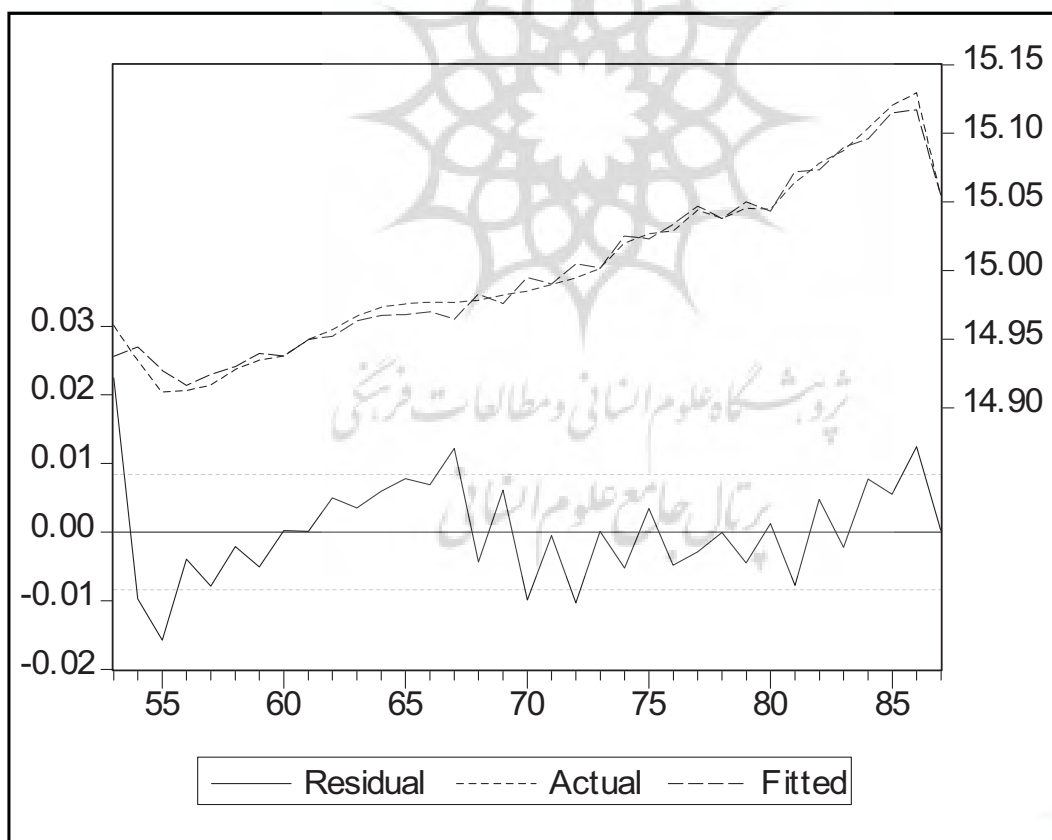
$$LEM = 12.9 - 0.009LW(-1) + 0.1LY + 0.07LSEEM + 0.1LK + 0.014D65$$

$$t \quad (57.9) \quad (-1.8) \quad (4.8) \quad (2.5) \quad (8.2) \quad (1.7)$$

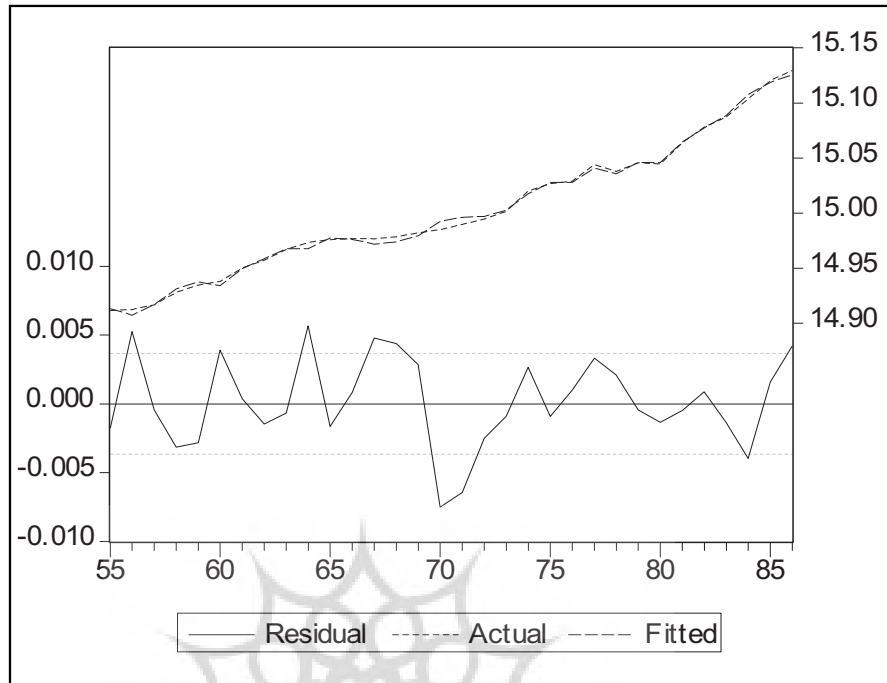
$$R^2 = 0.993 \quad \bar{R}^2 = 0.991 \quad F=653 \quad D.W= 1.52 \quad RESID; I(0)$$

همانطور که از الگوهای برآورد شده مشاهده می گردد کلیه ضرایب علامت مورد انتظار را دارا بوده اند و معنی دار بوده اند (مقادیر داخل پرانتز میزان آماره t را نشان می دهد. برای همه متغیرها سطح معنی داری بیش از ۹۹ درصد را نشان می دهد البته در مدل سوم معنی داری متغیر دستمزد ۹۳ درصد بوده است). از آنجا که متغیرها حاضر در الگو نایستا بوده اند و احتمال رگرسیون کاذب می رود لذا آزمون ایستایی برای جزء باقی مانده (REZID) انجام گرفت که نشان داد که جزء باقیمانده در همه الگوها ایستا می باشد. بنابراین نگرانی کاذب بودن ضرایب برآورد شده در رگرسیون رد شد. خود همبستگی مدل با استفاده از فرآیند میانگین متحرک (MA) رفع گردید. با توجه به اینکه R^2 و R^2 تعدیل شده در الگوهای برآوردی نیز بیش از ۹۸ درصد می باشد لذا قدرت برازش مدل نیز خوب ارزیابی می شود. آزمون معنی داری کلی مدل (F) حاکی از معنی دار بودن کلی الگو می باشد (نمودارهای زیر)

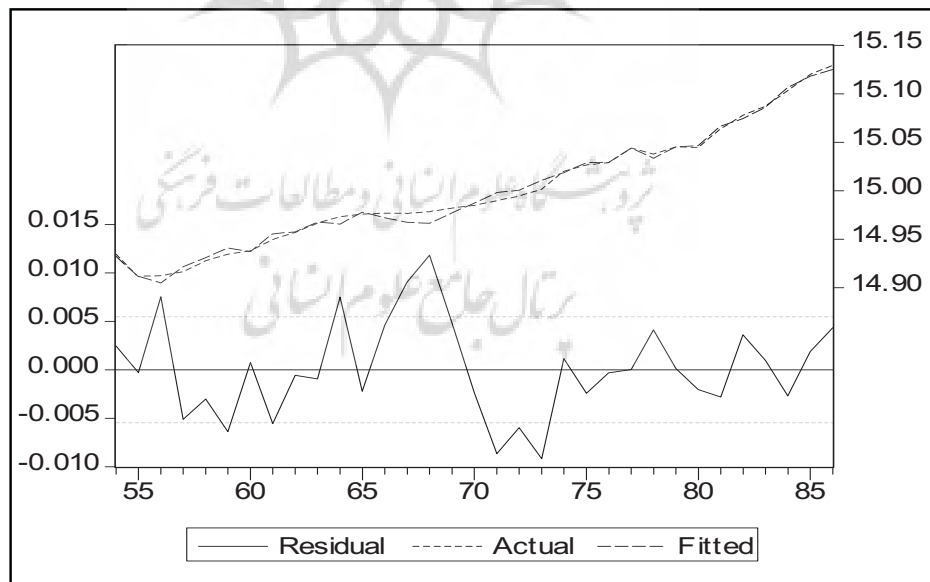
نمودار ۵: برازش الگوی برآورد شده مدل اول



نمودار ۶: برازش الگوی برآورد شده مدل دوم



نمودار ۷: برازش الگوی برآورد شده سوم



در بین متغیرها ارزش افزوده بخش کشاورزی، موجوی سرمایه و شاخص های مبین کارآفرینی اثر مثبت بر اشتغال در این بخش ایفا نموده اند. متغیر دامی سال ۶۵ بر اشتغال در الگوهای دوم و سوم اثر مثبت داشته اند. در این الگو اثر شاخص دستمزد (لگاریتم شاخص دستمزد خدمات ساختمانی به عنوان جایگزینی نزدیک برای دستمزد در بخش کشاورزی) و متغیر دامی دوران انقلاب و جنگ در الگوی اول اثر منفی بر اشتغال داشته اند. در مدل اول ضریب کشش تقاضای نیروی کار نسبت به ارزش افزوده برابر ۰/۰۶ بوده که بیانگر است که اگر ارزش افزوده با ثابت بودن سایر عوامل، یک درصد افزایش یابد، تقاضای نیروی کار کشاورزی فقط ۰/۰۶ درصد افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر، به بیان دیگر، به نظر می رسد که افزایش تولید در این بخش عمدتاً از طریق استفاده بیشتر از سایر عوامل تولید نظیر تراکتور، کمباین، نهاده های کود شیمیایی، بذر اصلاح شده و ... انجام می شود. ضریب متغیر ارزش افزوده در مدل دوم و سوم به ترتیب ۱ و ۰/۰۷ می باشد.

کشش تقاضای نیروی کار نسبت به سرمایه در الگوی اول برابر ۰/۰۲ می باشد. کشش تقاضای نیروی کار نسبت به دستمزد برابر منهای ۰/۰۱ است که زیاد نیست. در ایران به دلیل این که قسمت عمده بهره برداران هم کارفرما و هم کارگر می باشند لذا انتظار نمی رود دستمزدهای تاثیر منفی زیاد بر اشتغال بخش کشاورزی داشته باشد.

ضریب کشش اشتغال نسبت به متغیر نسبت شاغلان دارای آموزش عالی به کل شاغلان به عنوان جایگزینی برای کارآفرینی برابر ۰/۰۶ می باشد که رقم که برابر با رقم متغیر ارزش افزوده می باشد. به عبارت دیگر اگر یک درصد اگر نسبت شاغلان دارای آموزش عالی به کل شاغلان با ثابت بودن سایر عوامل، یک درصد افزایش یابد، تقاضای نیروی کار کشاورزی فقط ۰/۰۶ درصد افزایش خواهد یافت. بنابراین با افزایش شاغلان دارای آموزش عالی انتظار می رود از یک سوی ابداع صورت گیرد (یعنی فعالیت های جدید، تولیدات و تکنولوژی جدید خلق می کند) و از سوی دیگر، با تکنولوژی جدید تطبیق یابد و از این طریق، نشر تکنولوژی در بخش را تسریع کند. شایان ذکر است کیفیت نیروی انسانی، مهم ترین عامل مؤثر در بهبود بهره وری و افزایش کارآفرینی است. در واقع ویژگی های کیفی انسان نوعی سرمایه است، زیرا این ویژگی ها می تواند باعث بهره وری و تولید بیشتر و ایجاد درآمد و رفاه بیشتر شود. اندیشه ها فن آوری تولید را بهبود می بخشد. یک اندیشه بکر و نو این امکان را فراهم می سازد که از مجموعه های از نهاده ها و عوامل تولید، محصول بیشتر یا بهتری تولید شود. سرمایه انسانی تحقیق و توسعه را در بخش توسعه می دهند. تحقیق و توسعه اجازه می دهد تا کالاهای سرمایه ای جدیدی معرفی شود که ممکن است نقش بیشتر و بهتری در تولید نسبت به کالاهای سرمایه ای موجود داشته باشد. علاوه بر این تحقیق و توسعه باعث ایجاد اثرات جانبی در موجودی علم و دانش می شود که به نوبه خود باعث کاهش هزینه های تحقیق و توسعه می شود. بنابراین، می توان گفت که به وجود آمدن اثرات جانبی از طریق فعالیت های تحقیق و توسعه باعث

ایجاد بازدهی ثابت به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه خواهد شد.^۱ علاوه بر این از طریق ابداع و نوآوری محصولات و فرآیندهای جدید تولید، باعث پیشرفت تکنولوژی درونزا شده و افزایش تعداد و تنوع کالاهای سرمایه‌ای به تسهیل در رشد اقتصادی منجر می‌شود.

ضریب کشش اشتغال نسبت به متغیر جایگزین کارآفرینی در الگوی دوم یعنی نسبت کارکنان کارفرما به کل شاغلان بخش کشاورزی برابر ۰/۰۵ می‌باشد. همچنین در الگوی سوم ضریب کشش اشتغال نسبت به متغیر جایگزین کارآفرینی یعنی نسبت کارکنان مستقل به کل شاغلان بخش کشاورزی برابر ۰/۰۷ می‌باشد.

بنابراین مطابق الگوهای برآورد شده کارآفرینی اثر مثبتی بر اشتغال در بخش کشاورزی ایفا نموده است هر چند که میزان آن بالا نبوده است.

با بررسی و تجزیه و تحلیل روند رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، مشخص می‌شود که کارآفرینان در رشد اقتصادی و اشتغال زایی نقش زیادی داشته‌اند. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف به‌ویژه آموزش عالی تربیت فارغ التحصیلان خلاق و کارآفرین می‌باشد. نگاهی اجمالی به کارایی فارغ التحصیلان رشته‌های کشاورزی و توانمندیهای عملی آنها برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی کشور نشان دهنده این مساله است که آموزش عالی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار نبوده است. کار آفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحرانهای داخلی و باقی ماندن در عرصه رقابتهای جهانی، از سوی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. کار آفرینی از چند منظر در بخش کشاورزی دارای اهمیت است که عبارتند از:

- ایجاد و توسعه تکنولوژی در تولید

- تولید و انباشت ثروت در جامعه

- ایجاد و گسترش اشتغال در زیر بخش‌های مختلف

در شرایط فعلی کشور و نیز روند تغییرات بین المللی و پدیده جهانی شدن اقتصاد و با توجه به دلایل مذکور، ضروری است تا مساله کار آفرینی در بخش کشاورزی به عنوان برنامه‌ای راهبردی تلقی و به آن پرداخته شود. از طرفی، اشباع ظرفیت‌های استخدامی دولتی و ناتوانی بخش خصوصی در به کارگیری افراد جویای کار موجب شده که در سالهای اخیر مشکل بیکاری در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی رشته‌های کشاورزی بروز نموده که در صورت عدم توجه به این موضوع و پیش‌بینی نکردن راهکارهای اساسی و مناسب برای رفع این معضل که در حال حاضر مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به وجود آورده، جامعه ما را در آینده‌ای نه چندان دور با بحرانها و چالشهای خطرناک مواجه می‌نماید.

۱۲. چالش های کارآفرینی در بخش کشاورزی ایران

تعاریف و مفاهیم کارآفرینی در بخش های مختلف (کشاورزی، صنعت و خدمات) از نظر اصول و بنیاد یکی هستند. اگرچه کارآفرینی در کشاورزی در اصل و ماهیت خود تفاوتی با کارآفرینی در نواحی شهری و یا سایر بخش های اقتصادی ندارد، اما در واقع درون داده های مورد نیاز جهت توسعه کارآفرینی نظیر سرمایه، مدیریت، آموزش، تکنولوژی، مؤسسات و نهادها، زیرساخت های حمل و نقل، دسترسی به بازار، شبکه توزیع و نیروی کار ماهر در شهرها و مناطق صنعتی و سایر بخش های اقتصادی راحت تر از مناطق روستایی و کشاورزی یافت می گردد.

شکاف وسیع تر میان مناطق روستایی و شهری در کشورهای در حال توسعه و چیرگی صنعت بر کشاورزی و گرایش استراتژی ها و سیاست های توسعه به سمت صنعت، همراه با ویژگی های اقتصادی - اجتماعی جامعه روستایی و کشاورزی باعث شده است تا کارآفرینی کشاورزی کمتر رشد داشته باشد. در کشورهای در حال توسعه کشاورز ضعیف ترین حلقه تولید است. او فاقد توانمندی های حرفه ای و حمایت های لازم از طرف دولت و سازمان های محلی و ملی است تا در نقش یک کارآفرین پویا عمل کند. با وجودی که زمین یک منبع غنی در این کشورها بوده و دارای پتانسیل های مناسبی جهت کارآفرینی می باشد، اما هنوز هم به دلیل عدم بکارگیری صحیح زمین، کشاورزان فقیر هستند.

تغییرات صورت گرفته در بازار (جهانی شدن، رشد جمعیت، دگرگونی در بازار کار کشاورزی، امنیت غذایی، رقابتی شدن بازار)، سیاست های کشاورزی (حرکت به سوی کشاورزی تجاری مبتنی بر بازار) و خود جامعه (افزایش بیکاری و کم کاری، مباحث زیست محیطی، تنوع زیستی، منابع طبیعی) از عواملی هستند که ضرورت کارآفرینی در کشاورزی را بیش از پیش نمایان می سازد. به خاطر تحولات فوق، یک دگرگونی ساختاری در شیوه های کنونی تولید کشاورزی لازم بوده و کشاورزی مبتنی بر بازار در چهارچوب توسعه پایدار، استراتژی اساسی توسعه کشاورزی خواهد بود. در این نوع کشاورزی، کشاورز بایستی به نحوی تولید کند که بتواند تولیدات خود را در بازار رقابتی که مبتنی بر خواسته های مشتری است، به فروش برساند. بدین منظور کشاورز بایستی فرصت شناس بوده و نیازهای مشتری را به درستی شناسایی نماید و سپس استراتژی لازم در جهت برآوردن این نیازها طراحی و اجرا نماید. به عبارتی دیگر کشاورز امروز بایستی یک کارآفرین باشد.

۱۳. لزوم توجه به مساله کارآفرینی در کشاورزی مدرن در قرن ۲۱

کل مساحت ایران حدود ۱۶۵ میلیون هکتار می باشد که حدود ۵۱ میلیون آن زراعی است. در سال ۲۰۰۰ کل سطح زیر کشت در ایران ۱۸ میلیون هکتار بوده است که ۳۳ درصد آن آبی، ۲۸ درصد آن دیم، ۱۲ درصد آن باغات و ۲۷ درصد آن اراضی آیش و بایر بوده است. در حدود ۵/۳ میلیون قطعه زمین زراعی در ایران وجود دارد. خرده مالکی با زمین کمتر از ۱۰ هکتار حدود ۲۲ درصد از کل زمین های

زراعی را به خود اختصاص می‌دهد در حالیکه ۸۵ درصد از جمعیت کشاورز را دربر می‌گیرد. مالکیت متوسط (۱۵-۱۰ هکتار) حدود ۶۵ درصد از اراضی و ۱۴ درصد از جمعیت کشاورز را دارد. مالکیت بزرگ (بالای ۱۵ هکتار) حدود ۱۳ درصد از اراضی و ۱ درصد از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد. براساس گزارش بانک جهانی، در فاصله سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۰ کشاورزی ایران به‌طور متوسط ۲/۱۵ درصد از تولیدات ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. همچنین سهم این بخش از درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی معادل ۲۶ درصد بوده است (اگر چه در حال کاهش بوده است). این در حالی است که کشاورزی سهم کوچکی از واردات ایران را به خود اختصاص می‌دهد (۱۴ درصد). از طرف دیگر کشاورزی ایران یک چهارم کل اشتغال ایران را به خود اختصاص می‌دهد، به عبارت دیگر ۲۵ درصد از کل فرصت‌های شغلی ایران مربوط به بخش کشاورزی است. صنایع غذایی کشور (به عنوان بخش مهمی از صنایع بخش کشاورزی)، بعد از صنعت پالایش نفت، مهمترین بخش صنعتی کشور از لحاظ تولید ارزش افزوده می‌باشد.

کشاورزی ایران بایستی خود را آماده کند تا غذای جمعیتی معادل ۱۰۰ میلیون نفر را در سال ۲۰۲۰ تهیه کرده و ضمن ایفای نقش خود به عنوان یک موتور رشد اقتصادی، به کاهش فقر در ایران نیز کمک کند علیرغم دستاوردهای کمی قابل‌ملاحظه در زمینه کشاورزی، کشاورزان ایرانی در محیطی فعالیت می‌کنند که قویاً تحت تأثیر مداخله‌گری‌های ناکارآمد دولت قرار دارد. علاوه بر آن، اراضی کوچک و قطعه قطعه، استفاده از شیوه‌های سنتی تولید توسط کشاورزان خرده‌پا و مسائل جامعه‌شناسی مربوط به نسق زراعی در کنار فقدان یک ساختار مناسب از بازار (که منجر به خسارت‌های فراوان پس از برداشت گردیده است) باعث شده است تا این بخش با وجود پتانسیل‌های بالایی که دارد نتواند کمک قابل توجهی به رشد اقتصادی کشور و اشتغال‌زایی نماید.

کشاورزی ایران به‌طور مشخص، در دهه گذشته شاهد تغییرات مداومی بوده است. در سال‌های اخیر کشاورزی ایران با چالش‌هایی نظیر: آزادسازی تجاری و در نتیجه دگرگونی در بازار، کاهش حمایت‌های دولت از تولیدکننده، افزایش رقابت در بازارهای کشاورزی جهانی، جهانی شدن، پیشرفت در زمینه فناوری‌های مرتبط، بیوتکنولوژی کشاورزی، سیاست‌های خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی ساختار دولت و در نتیجه دگرگونی در بازار کار کشاورزی و مشکلات اکولوژیکی و اقلیمی نظیر سیل و خشکسالی که باعث افزایش ریسک کار کشاورزی گردیده است، مواجه بوده است. همچنین تغییر در ذائقه مشتریان تولیدات کشاورزی و تقاضای مشتریان کشاورزی از دیگر مواردی بوده که بخش کشاورزی ایران شاهد آن بوده است. از طرف دیگر، امروزه برای توسعه کشاورزی، کشاورزی رقابتی که قویاً تحت تأثیر نیروهای بازار (مشتری) است، مورد تأکید قرار گرفته است (فائو، بانک جهانی، سازمان بهره‌وری آسیای، سازمان تجارت جهانی). در کشاورزی رقابتی و مبتنی بر بازار، کشاورز برای آنکه موفق عمل کند بایستی خلاق، نوآور و فرصت‌شناس باشد؛ یعنی این که بایستی کارآفرین باشد نه اجراکننده سیاست‌های دولت.

۱۴. نتیجه گیری

به منظور توسعه کارآفرینی وزارت جهاد کشاورزی، مصادیق واگذاری امور در بخش کشاورزی به بخش خصوصی را تعریف، تفکیک و احصا نموده است. این مصادیق برابر جدول زیر تنظیم شده است. بر اساس اطلاعات جدول مجموعاً ۳۱۷ مورد فعالیت در زیر بخش های کشاورزی تحت عنوان امور قابل واگذاری به افراد و توسعه کار آفرینی تعریف شده است.

جدول مصادیق کارآفرینی در بخش کشاورزی به تفکیک زیر بخش ها

| عنوان زیر بخش | تعداد مصادیق |
|--|--------------|
| زیر بخش زراعت | ۴۲ |
| زیر بخش باغبانی | ۸ |
| زیر بخش آب و خاک | ۲۱ |
| زیر بخش امور دام و طیور | ۳۷ |
| زیر بخش بهداشت دام و دامپزشکی | ۱۳ |
| زیر بخش شیلات و آبزیان | ۳۸ |
| زیر بخش جنگل، مرتع، بیابان و آبخیزداری | ۷۵ |
| زیر بخش صنایع تبدیلی و تکمیلی | ۳۰ |
| زیر بخش ترویج و مشارکت مردمی | ۱۸ |
| زیر بخش نظام های بهره برداری | ۱۶ |
| زیر بخش تحقیقات و آموزش کشاورزی | ۶ |
| زیر بخش برنامه ریزی اقتصادی و منابع انسانی | ۱۳ |
| جمع | ۳۱۷ |

همان گونه که ملاحظه می شود بیشترین حوزه کارآفرینی به زیر بخش جنگلها و مراتع و آبخیزداری با ۷۵ مورد و کمترین حوزه کارآفرینی به زیر بخش تحقیقات و آموزش کشاورزی با ۶ مورد مربوط است. برنامه وزارت جهاد کشاورزی این است که به مرور این فعالیت ها را که بطور سنتی در ید دولت قرار دارد به افراد کار آفرین واگذار نماید. توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی در قانون برنامه پنجم نیز پیش بینی شده است. گرچه میزان و تعداد کل کارآفرینی به تفکیک زیر بخش ها در برنامه پنجم نیامده (موضوع کارآفرینی در قانون برنامه به شکل کلی آورده شده است) در صورت تحقق این امر، یعنی توسعه کارآفرینی براساس قانون برنامه در سطوح کشوری، استانی و شهرستانی در هر یک از زیر بخش های مورد اشاره کشاورزی، برآورد می شود به میزان قابل توجه در بخش کشاورزی کارآفرینی توسعه و به تبع آن اشتغال افزایش یابد.

۱. ازوجی، علاءالدین (۱۳۸۲)، تحلیل و ارزیابی سیاست ها و عملکرد بازار کار در برنامه های توسعه ای ایران. فصلنامه علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، پائیز ۱۳۸۶.
۲. اقتصاد کشاورزی و بخش کشاورزی، برکلی هیل، ترجمه ولی بریم نژاد، انتشارات آذربرزین، سال ۱۳۸۸ امور اجتماعی، تهران
۳. امینی، علیرضا (۱۳۸۳)، رویکرد جنسیتی به عدم تعادل های بازار کار، فصلنامه مرکز تحقیقات زنان، دوره ۱، شماره ۲ زمستان ۱۳۸۰
۴. امینی، علیرضا (۱۳۸۱)، تحلیل عوامل موثر بر تقاضای نیروی کار در بخش های اقتصادی و پیش بینی اشتغال در برنامه سوم توسعه، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۴
۵. امینی، علیرضا (۱۳۸۸)، بازنگری و به روز رسانی برآورد آمارهای سری زمانی موجودی سرمایه ثابت و اشتغال به تفکیک بخشهای اقتصادی در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۶. دفتر نظارت بر برنامه معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور.
۶. باصری، بیژن (۱۳۸۴)، مطالعه توانمندی و ظرفیت های ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی، مؤسسه عالی پژوهش در مدیریت و برنامه ریزی، تهران
۷. باصری، بیژن و جهانگرد اسفندیار (۱۳۸۵)، نقش فناوری بر اشتغال صنایع کارخانه ای ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۸
۸. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترانزنامه و گزارش اقتصادی سالهای مختلف
۹. بدری احسان، لیاقت دار محمدجواد، عابدی محمدرضا، جعفری ابراهیم (۱۳۸۵). بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره تابستان.
۱۰. پروژه آموزش ساماندهی و توانمند سازی زنان روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، دفتر امور زنان روستایی، سال ۱۳۸۶
۱۱. جواهری، فاطمه، قضائی، سرور (۱۳۸۳). موانع کارآفرینی زنان: بررسی تاثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران. مجله جامعه شناسی ایران. شماره تابستان.
۱۲. چالش ها و چشم انداز های توسعه ایران، هم اندیشی پژوهشگران و نظریه پردازان کشور، ۱۵-۱۲ اسفند ۱۳۸۱، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی کشور
۱۳. حسینی، سید محمود، ۱۳۸۴، آموزش کشاورزی کارآفرینانه، جزوه درسی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران
۱۴. حسینیان، سیمین، طباطبایی، یحیی آبادی شهناز، خدابخشی کولایی، اناهیتا (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش های آماده سازی شغلی و کارآفرینی بر تمایلات کارآفرینی جوانان داوطلب استفاده از تسهیلات اشتغال زایی شهر تهران. تازه ها و پژوهشهای مشاوره. شماره پاییز.
۱۵. درگاهی، حسین و قدیری. (۱۳۸۲)، تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده در رشد اقتصادی ایران، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۶.
۱۶. ریف کین، جرمی (۱۳۷۶)، پایان کار، زوال نیروی کار جهانی و طلوع عصر پسا بازار، ترجمه، مرتضوی حسن، نشر دانش ایران، ۱۳۷۹
۱۷. سلیمی فر، مصطفی، مرتضوی، سعید (۱۳۸۴) سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه ای (مورد مطالعاتی خراسان). مجله دانش و توسعه. شماره ۱۷.
۱۸. شجری، شاهرخ و سلطانی غلامرضا (۱۳۷۹)، تخمین تابع تقاضای نیروی کار و کشف عرضه محصول گندم، مجموعه مقالات سومین کنفرانس توسعه کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، جلد دوم، تهران
۱۹. شریف زاده، مریم و زمانی، غلام حسین (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه شیراز. علوم کشاورزی ایران (ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی ۲-۳۷).
۲۰. شکرکن حسین، نجاریان بهمن، شهنی بیلاق منیجه، برومندنسب مسعود (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی. شماره پاییز و زمستان.
۲۱. صادقی، حسین و همایونی فر مسعود (۱۳۸۰)، نقش کشاورزی در تأمین اشتغال و کاهش بیکاری، فصلنامه پژوهش های اقتصادی تربیت مدرس، شماره اول
۲۲. طرح آموزش، سازماندهی و توسعه اشتغال زنان روستایی و عشایر ایران - وزارت جهاد کشاورزی - دفتر امور زنان روستایی - سال ۱۳۸۶
۲۳. عیسی زاده، سعید (۱۳۷۸)، تحول تقاضای نیروی کار در بخش های مختلف اقتصادی (۱۳۳۵-۱۳۷۵)، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران
۲۴. فرجادی، غلامعلی (۱۳۷۸)، نیروی انسانی، بازار کار و اشتغال، مطالعات آماده سازی تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ایران، سازمان برنامه و بودجه، تهران
۲۵. فرجادی، غلامعلی و دیگران (۱۳۷۸)، مطالعات آماده سازی تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (جلد سوم)، نیروی انسانی، بازار کار و اشتغال، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۲۶. فلیجی، نعمت (۱۳۷۹)، برآورد الگوی عرضه و تقاضای نیروی کار در مناطق روستایی و بررسی میزان انعطاف پذیری بازار کار روستایی و شهری، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۹ و ۵۰
۲۷. کهنزادی، بهروز و بلالی، حمید (۱۳۸۱)، بررسی رابطه درآمدت اشتغال و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی تربیت مدرس، سال ۲، شماره ۴

۲۸. کاظمی، مصطفی و مهترتی، یعقوب (۱۳۸۶) سنجش میزان کارآفرینی مدیران صنعت مطالعه موردی: استان خراسان. مجله دانش و توسعه. شماره ۲۰.
۲۹. گلرد پروانه (۱۳۸۷). بهره وری زنان کار آفرین ایرانی. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. شماره بهار.
۳۰. متن برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران
۳۱. مدهوشی، مهرداد و بخشی، غلام رضا (۱۳۸۲). بررسی موانع کارآفرینی در دانشگاه مازندران. مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. بهار و تابستان. شماره ۹
۳۲. مرتضوی، سعید و مهترتی، یعقوب (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل ابعاد حمایت از واحدهای کوچک فعال در صنعت فلزات اساسی با تاکید بر رویکرد کارآفرینی. مجله دانش و توسعه. شماره ۱۵.
۳۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، طرح آمارگیری نیروی کار، پاییز ۱۳۸۵
۳۴. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، سالهای مختلف
۳۵. مرکز آمار ایران، طرح سرشماری از بخش کشاورزی ایران، ۱۳۸۳، تهران
۳۶. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
۳۷. مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار سالهای ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷.
۳۸. مشیکی، اصغر و فتیحی، سعید (۱۳۸۱). خودکارآفرینی، ابزار مواجهه با بحران اشتغال در کشور. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۲۴. پاییز
۳۹. مهدوی عادل محمدحسین، رافعی حسین (۱۳۸۵). بررسی جریان خصوصی سازی و تاثیر آن بر تقویت کارآفرینی در ایران. مجله دانش و توسعه. شماره ۱۸.
۴۰. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۰). ابعاد و چالش‌های اساسی بازار کار در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۹.
۴۱. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، ارزیابی آثار چند شغلی و ساعات کار اضافی بر بیکاری در بازار کار ایران. مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۴۲. هاشمی سید علی، ۱۳۸۵، اشتغال زنان و ضرورت‌ها، دفتر امور شوراها و مجامع، وزارت کار و
۴۳. هرندی، فاطمه، جمشیدی، فرشیدی و فرهادی کیا، علیرضا (۱۳۸۵). روش مناسب ساخت مدل عرضه نیروی کار با توجه به ویژگیهای متغیر پاسخ. مجله دانش و توسعه.
۴۴. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۴). بررسی نقش کارآفرینی در ایجاد فرصتهای اقتصادی. پژوهشنامه اقتصادی پاییز. شماره ۱۸.
۴۵. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۲). توسعه کارآفرینی و دانش آموختگان. مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره زمستان.
۴۶. یعقوبی، جعفر، ۱۳۸۲، کارآفرینی در کشاورزی، ماهنامه الکترونیکی ترویج و توسعه روستایی، شماره ۲، اردیبهشت ماه، ص ۲۰-۲۵
۴۷. یعقوبی جعفر، کارآفرینی در کشاورزی؛ چالشها و راهکارها

48. Acemoglu, D., Ph. Aghion and F. Zilibotti (2006), Distance to frontier, selection and economic growth, Journal of the European Economic Association, 4(1), 37-74.
49. Acs, Z., S. Desai, and L. Klapper (2008). 'What Does Entrepreneurship Data Really Show?'. Small Business Economics, 31 (3): 265-81.
50. Acs, Z.J., Audretsch, D.B., Braunerhjelm, P., and Carlsson, B., 2004. "The Missing Link: The Knowledge Filter and Entrepreneurship in Economic Growth, CEPR working paper no. 4358.
51. Acs, Z.J., D.B. Audretsch and D.S. Evans (1994), Why does the self-employment rate vary across countries and over time?, Centre for Economic Policy Research, CEPR Discussion Paper, no. 871, London.
52. Acs, Z.J., D.B. Audretsch, P. Braunerhjelm and B. Carlsson (2004), The missinglink. The knowledge filter and entrepreneurship in endogenous growth, CEPR Discussion Paper 4783, CEPR, London
53. Acs, Z.J., D.B. Audretsch, P. Braunerhjelm and B. Carlsson (2005), Growth and entrepreneurship: an empirical assessment, CEPR Discussion paper, No. 5409, CEPR, London.
54. Aghion, P., and Howitt, P., 1998, Endogenous Growth Theory, Cambridge, MA: MIT Press.
55. Aidis, R., and M. van Praag (2004). 'Illegal Entrepreneurship Experience'. Journal of Business venturing, 22 (2): 283-310.
56. Audretsch, D. and Keilbach, 2003, "Entrepreneurship Capital and Economic
57. Audretsch, D. and Thurik, Roy, 2002, "Linking Entrepreneurship to Growth," OECD STI Working Paper, 2081/2.
58. Audretsch, D.B. and A.R. Thurik (2001a), Linking entrepreneurship to growth, OECD, STI Working Papers, 2001/2, Paris.
59. Audretsch, D.B. and A.R. Thurik (2001b), What is new about the new economy: sources of growth in the managed and entrepreneurial economies, Industrial and Corporate Change, 10(1), 267-315.
60. Audretsch, D.B. and A.R. Thurik (2004) A model of the entrepreneurial economy, International Journal of Entrepreneurship Education, 2(2), 143-166.

61. Audretsch, D.B. and M. Keilbach (2004a), Does entrepreneurship capital matter? *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28(5), 419-429.
62. Audretsch, D.B. and M. Keilbach (2004c), Entrepreneurship and regional growth: an evolutionary interpretation, *Journal of Evolutionary Economics*, 14(5), 605-616.
63. Audretsch, D.B. and M. Keilbach (2004b), Entrepreneurship capital and economic performance, *Regional Studies*, 38(8), 949-959.
64. Barro, R.J. and Sala-i-Martin, X., 1995, *Economic Growth*, McGraw Hill, New York.
65. Barro, R.J. and X. Sala-i-Martin (1995), *Economic Growth*, McGraw-Hill, New York.
66. Bassanini, A. and S. Scarpetta, (2002), Does human capital matter for growth in OECD countries? A pooled mean-group approach, *Economics Letters*, 74(3), 399-407.
67. Blanchflower, D. G. (2000). "Self-employment in OECD countries." *Labour Economics* 7(5): 471-505.
68. Blanchflower, D.G. and Oswald, A., 1998, "What makes an Entrepreneur?" *Journal of Labor Economics*, 16, pp. 26-60.
69. Desai, S. (2008). 'Essays on Entrepreneurship and Postconflict Reconstruction'. Fairfax, VA: George Mason University. Mimeo.
70. Dunn, T., and D. Holtz-Eakin. 2000. "Financial Capital, Human Capital, and the
71. Earle, J. S., and Z. Sakova (2000). 'Business Start-ups or Disguised Unemployment? Evidence on the Character of Self-Employment from Transition Economies'. *Labour Economics*, 7: 575-601.
72. FAO, 2003, Best practices for Education and Training of Rural Youth, Lesson From Asia, Samuel Mancebo. Bangkok Thailand
73. Hall, J. C. (2007). 'Randall G. Holcombe, Entrepreneurship and Economic Progress'. *Review of Austrian Economics*, 21 (2-3): 219-22.
74. Hamilton, B. H. (2000). "Does entrepreneurship pay? An empirical analysis of the returns to self-employment." *Journal of Political Economy* 108(3): 604-631.
75. Hayami, Y. and Ruttan (1985), The Inter-Country Agriculture Production Function and Productivity Differences among Countries, *Journal of Development Economics*, No. 19, pp. 113-132, North Holland
76. Hoffmann, A., M. Larsen, and A. S. Oxholin (2006). 'Quality Manual of Entrepreneurship Indicators', version 2. Copenhagen: FORA.
77. ILO (International Labour Organization) (2007). 'In Asia, Informal Work Shifts but Remains Massive'. Available: www.ilo.org.
78. Kirzner, I. M. (1997). 'Entrepreneurial Discovery and the Competitive Market Process: An Austrian Approach'. *Journal of Economic Literature*, 35: 60-85.
79. Klapper, L., L. Laeven, and R. Rajan (2006). 'Entry Regulation as a Barrier to Entrepreneurship'. *Journal of Financial Economics*, 82 (3): 591-629.
80. Klapper, L., R. Amit, F. G. Mauro, and M. J. Q. Delgado (2007). 'Entrepreneurship and Firm Formation across Countries'. WB Working Paper. Washington, DC: World Bank.
81. Morgan Jullian (2001), Modeling Aggregate Demand for labor, *The Economic Record*, Vol. 80, No. 251
82. Nancy Ames, David Miller, Poonam Ahluwalia, Youth Employment Summit, 2003, Rethinking The Future
83. Performance," Centre for Economic Policy Research, No. 3678.
84. Romer, P., 1986, "Increasing Returns and Economic Growth", *American Economic Review*, 94, 1002-1037.
85. Romer, P., 1990, "Endogenous Technical Change", *Journal of Political Economy*, 98, 71- 102.
86. Rural Micro Finance Support Project (RMFSP), 2005, Bank Keshavarzi Iran & United Nations International Found For Agriculture Development (IFAD), (Asia and Pacific Division)
87. The role of scientist entrepreneurship, Discussion Papers on Entrepreneurship, Growth and Public Policy, Max Planck Institute of Economics, Jena.
88. Transition to Self-Employment: Evidence from Intergenerational Links." *Journal of Labor Economics* 18: 282-305.
89. www.agri-jahad.org
90. www.daneshju.ir/forum/archive/t-50750.htm